حقوق زن از دیدگاه قرآن

(مقایسه حقوق زن در اسلام و غرب)

از سری کتابهای روش انس با قرآن



گروه تحقیق :

سهیلا شاکری ، فاطمه سرزهی ، الهام پور علم

با همکاری و کارشناسی : اسدالله اسدی گرمارودی

تألیف : دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق زن از دیدگاه قرآن کریم

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حقوق زن از دیدگاه قرآن کریم (مقایسه حقوق زن در اسلام و غرب)

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی، محمد، - ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور : حقوق زن از دیدگاه قرآن کریم (مقایسه حقوق زن در اسلام و غرب):...Woman's right/ تالیف محمد بیستونی؛ با همکاری و کارشناسی اسداله اسدی گرمارودی گروه تحقیق سهیلا شاکری ،فاطمه سرزهی، الهام پورعلم؛ با نظارت محمد بیستونی

مشخصات نشر : تهران: بیان جوان، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : ۱۳۳ ص؛ ۱۰ X۱۴س م

فروست : (...سری کتابهای روش انس با قرآن)

شابک : ۹۰۰۰ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر : مقایسه حقوق زن دراسلام و غرب

موضوع : زنان در اسلام

شناسه افزوده : شاکری ،سهیلا

شناسه افزوده : سرزهی، فاطمه

شناسه افزوده : پورعلم، الهام

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷۲/ب۹۳ح۷ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۲۸۳۵۴

ص:۱

اشاره

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّهِ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الْاَوْلِیاءَوَیامُذِلَ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

متن تأییدیه مرجع عالیقدر حضرت «آیه اللّه العظمی مکارم شیرازی» در

مورد کتاب «تفسیر جوان» (منبع مطالعاتی و

تحقیقاتی اصلی «روش انس با قرآن»)

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

قرآن مجیدبالاترین سند افتخار مامسلمانان است و تاکسی با قرآن آشنا نشود ، پی به عظمت آن نخواهد برد و هر قدر آشنایی ما با ا ین کتاب بزرگ آسمانی افزون گردد ، به درجه اهمیت و عظمت آن بهتر پی می بریم ، مخصوصا برای حل مشکلات مسلمین در دنیای امروز ، بهترین راه گشا قرآن است .

به همین دلیل شایسته است نسل جوان برومندما روزبه روز با این کتاب آسمانی آشناتر گردد ، نه فقط به «خواندن» و «قرائت» و «حفظ» آن ، بلکه به «محتوا و معنای

قرآن» ، به یقین قرآن مجید می تواند صفا و روشنی ویژه ای به تمام زندگی آنان بدهد و از آنان افرادی باایمان ، شایسته ، قوی ، شجاع و طرفدار حق بسازد .

از آنجا که تفسیر نمونه بحمدالله در میان تمام قشرها نفوذ یافته و تحولی در محیط ما ایجاد کرده است ، جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که فردی باذوق و علاقمند به مسائل اسلامی و مسائل جوانان است . ابتکاری به خرج داده و تفسیر نمونه را به صورت فشرده و خلاصه با «سبکی تازه» که به آسانی قابل استفاده برای همه جوانان باشد ، درآورده و به گونه ای که هم اکنون ملاحظه می کنید ، در اختیار آنان گذارده است . خداوند این خدمت را از ایشان قبول کند و به همه جوانان عزیز توفیق استفاده از آن را مرحمت فرماید .

ناصر مکارم شیرازی

۲۸/۸/۷۹

ص:۶

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه اللّه حاج سیدمرتضی خاتمی درخصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی

بسم اللّه الرحمن الرحیم

قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید،مبشرنور و برکت و «نسخه شفابخش»برای همه انسان ها می باشد . این نور روشنگر و ابر باران خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و فعالیت های فردی و اجتماعی همه انسانها خصوصا «اهل قبله» قرارگیرد .

در همین راستا ، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی درخدمت «قرآن و مساجد» بوده است . در یک تلاش طاقت فرسا و منظم که بنده از ۱۰ سال پیش، مستقیما در جریان آن قرارگرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق «کارگاه آموزشی مفسّرین جوان» ابداع نموده است و کلیّه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصا تألیف کرده و همه آن ها را قبل از چاپ و نشر برای «تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن هارا ازاول تاآخرمطالعه وتصحیح نمودم .

تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموما در حوزه «تفسیرموضوعی وزنجیره ای قرآن کریم»

می باشد ، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدیّنین خصوصا «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصا در حوزه های علمیه و دانشگاهها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد .

ازویژ گی های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیرموضوعی وزنجیره ای (تفسیرقرآن باقرآن)» می باشدکه درنوع خود بی نظیراست.

امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی ایشان که بحمدالله اخیرا به زبانهای عربی ، انگلیسی ، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می باشد ، حداکثر استفاده را بنمایند .

آرزومی کنم خداوندتبارک وتعالی به این برادرباذوق وعلاقمندبه قرآن ومسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاشهای مفید و مؤثرقرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید .

بتاریخ ۲/۷/۱۳۸۲ ه.ش

۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۴ ه.ق

مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله

سید مرتضی خاتمی

ص:۸

حقوق زن

(بررسی آزادی های زن و حدود آن در اسلام و مقایسه آن با تفکرات غربی)

مقدمه

مورّخین و جامعه شناسان تاریخ زندگی زنها را به سه دوره تقسیم کرده اند «دوره اول» که بصورت رسمی پایان یافته ولی هنوز در گوشه و کنار جهان خصوصا در برخی از قبایل افریقایی وجود دارد ، زن صرفا بعنوان یک «کالا» مطرح بوده و هیچگونه عزّت و احترامی برای زن قائل نبودند و او را کم ارزش تر از حیوان تلقی نموده و در سلسله مراتب تأمین نیازهای قبیله ، همطراز با محصولات کشاورزی می شمردند .

در «دوره دوم» ، مقام زن ارتقاء یافت و صرفا به عنوان یک موجود زنده مورد توجه قرار گرفت . موجودی که تحت دیکتاتوری مردان

قبیله و جوامع بدوی ایفای نقش می کرد .

در «دوره سوم» که بـا اشـکال مختلف در جوامع غیراسـلامی هم اکنون نیز ادامه دارد . زن «از یـک سو بعنوان کالای تجاری و تبلیغی و از سوی دیگر به عنوان یک حیوان» برای ارضای نیازهای جنسـی مردان ، کانون توجه شـرکتهای بازرگانی و سـرمایه داران شده است .

دراین مقـاله تحقیقی حقوق وآزادی هـای زنـان در اسـلام تفکّرات غربی مورد بررسـی و تجزیه و تحلیـل قرار می گیرد. علت انتخاب «غرب» برای مقایسه با اسـلام پیرامون حقوق زن این است که در دنیای امروز «اسلام» به عنوان کاملترین و آخرین دین الهی در اوج قله حمـایت از حقوق و آزادی زنـان از یـک سو ، و جهـان کفر و شـرک و نفـاق به سـرپرستی دنیـای «غرب» در جایگـاه رهبری نگرش «کالا-یی حیوانی» به زنـان از سوی دیگر در مقابل هم قرار گرفته انـد و حتی کشورهای سوسـیالیستی و کمونیستی نیز زیر پرچم تفکرات

غربی قرار می گیرند .

هـدف از این مقـایسه اثبات تحلیلی عقلانیت و حقانیت نگرش اسـلام نسـبت به حقوق و آزادی های زنان و غیرمعقول و باطل بودن تفکرات

غربی در این رابطه می باشد تا زنان باکرامت جامعه ما فریب تبلیغات روشنفکران غربزده و پایگاههای داخلی آن ها را نخورده و مردان میهن عزیزمان نیز با رعایت حقوق و آزادی های مشـروع بانوان به وظیفه دینی و ملی خود عمل نموده و اجازه نـدهند با برداشت های غلط و رفتار ناشایست برخی از مردان که درک صـحیح نسبت به نظر واقعی اسلام درباره زنان ندارند ، آب به آسیاب دشمن ریخته و باعث بدبینی زنان و دختران جوان به دین اسلام و احکام مترقی قرآن شوند .

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

ص:۱۱

دیدگاه کلی اسلام درباره زن

قرآن کریم در آیات متعددی آزادی کامل زنان را همدوش مردان با توجه به استعدادهای خدادادی هر دو تصریح می کند ، از جمله می فرماید :

« اِنَّ الْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ وَالْمُؤمِنینَ وَالْمُؤمِناتِ وَالْقانِتینَ وَالْقانِتاتِ وَالصّادِقینَ والصّادِقاتِ وَالصّابِرینَ وَالصّابراتِ والْخاشِعینَ وَالْخاشِعاتِ وَالْمُتَصَدِّقینَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ و الصّائمینَ وَ الصّائِماتِ وَالْحافِظینَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ والذّاکِرینَ اللّهَ کَثیرا وَالذّاکِراتِ اَعَدَّاللّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ اَجْرا عَظیما

مردان مسلمان و زنان مسلمان ، مردان با ایمان و زنان با ایمان ، مردان مطیع فرمان خدا و زنانی که از فرمان خدا اطاعت می کنند ، مردان راست گو و زنان

راست گو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا ، مردان باخشوع و زنان با

ص:۱۲

خشوع ، مردان انفاق گر و زنان انفاق کننده ، مردان روزه دار و زنانی که روزه می گیرند ، مردانی که دامان خود را از آلودگی به بی عفتی حفظ می کنند و زنانی که پاک دامنند و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند وزنانی که بسیار یادخدا می کنند ، خداوند برای همه آن ها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است »(۱)

از آیه کریمه مذکور برمی آید که زن و مرد به طور مساوی مسلمان و مؤمن به حساب می آیند و این نشانه حق انتخاب مذهب و آزادی کامل و رشد فکری

و برابری زن و مرد و شخصیت واقعی آن دو است . و نیز در قنوت و عبادت خداکه بالاترین مدارج عمل بشری است آن دو مساوی هستند و در صدق و صبر

۱- ۳۵ / احزاب .

که همـان آرمـان و پیکـار یـا عقیـده و جهاد که درخشان ترین بعـد اجتماعی بشـر است آن دو برابرنـد و همچنین در خشوع و صـدقه و صوم و تقوی و ذکرخـدا، که ازمراحل عمده عبادت عملی یا سـلوک و سـیر فی اللّه است ، زن با مرد تفاوتی ندارد و خداونـد در مقابـل این همه تجلیـات روح والاـی انسانی چه از زن و چه از مرد به آن ها بـدون تبعیض و تفاوت پاداش بزرگ عطا می فرماید .

اگر در قرآن و اسـلام غیر از این تعبیری از همپایگی شأن زن و مرد نبود، همین برای بیان دیدگاه اسـلام درباره زن و علو موقع وی در اسلام کفایت می کرد .(۱)

در آیه دیگری فرموده است :

۱- تفسیرجوان، جلد۱۷، صفحه۲۲۶.

«فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ اَنّی لا اُضیعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْکَمْ مِنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثی بَعْضُکَمْ مِنْ بَعْضٍ ...

خداوند، درخواست آن هارا پذیرفت ، (وفرمود:) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، زن باشد یا مرد ، ضایع نخواهم کرد...» (۱)

در آیه بالاـ نیز همچون موارد دیگر زن و مرد را بطور مساوی مورد خطاب خود قرار داده است و عمل و جهاد هریک از آنان را بدون تفاوت در جنس ، وعده پاداش نیکو داده است .

در آیه :

«هُوَالَّذی اَنْشَأَکُمْ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصارَ وَالْاَفْئِدَةَ: او کسی است

۱- ۱۹۴ / آل عمران .

که شما را آفرید و برای شما چشم و گوش و قلب قرارداد» (۱)

زن و مرد را بطور مساوی دارای «فؤاد» (یعنی جای بروز ادراک نهانی انسان و به تعبیر علامه طباطبایی همان عقل) می دانـد و در آیه دیگری با تعبیر :

« اِنَ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَالْفُؤادَ کُلُّ اُولِئِکَ کان عَنْهُ مَسْئُولاً: چراکه گوش و چشم و دل ها همه مسئول هستند»(۲).

آیه شریفه دارنده این دستگاه تمیز و ادراک را ، چه زن و چه مرد ، «مسئول»

می شناسد و بدیهی است که مسئولیت فرع بر صلاحیت است و بین مرد و زن در صلاحیت و در نتیجه در مسئولیت و ادراک نهانی آنها فرقی نگذاشته است .

ص:۱۶

۱- ۲۳ / ملک .

۲- ۳۶ / اسراء .

و نیز به موجب آیه مبارکه :

« وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِیاآءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُقیمُونَ الصَّلوهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکوهَ وَ یُطیعُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ اوُلآئِکَ سَیَرْحَمُهُمُ اللّهُ اِنَ اللّهَ عَزیزٌحَکیمٌ

مردان و زنان باایمان ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند ، امر به معروف و نهی ازمنکر می کنند و نماز را برپامی دارند و زکات رامی پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می نمایند، خداوند به زودی آن ها راmورد رحمت خویش قرارمی دهد، خداوند توانا و حکیم است ».(۱)

ص:۱۷

۱- ۷۱ / توبه .

زن و مرد مؤمن بطور مساوی بر یکدیگر «ولایت نظارت» یا به تعبیر دیگر حق بازرسی متقابل دارند که در اصطلاح جامعه شناسی به آن «بازرسی اجتماعی» می گویند و هر فرد بر اساس این وظیفه بر کار نیک و بد افراد دیگر نظارت می کند تا معیار و اصول کلی جامعه اسلامی نقض نشود .

همچنین زن و مرد بطور مساوی مأمور به «صلوه» (والاترین عبادت و بهترین راه اتصال به معبود و محبوب) و مکلف به پرداخت مالیات زکات (که نشانه استقلال اقتصادی و مالی است) و موظف به اطاعت خدا و رسول (که نشانه عضو رسمی جامعه سیاسی و اداری بودن در جامعه اسلامی است)

می باشند و زن و مرد هر دو بطور مساوی مورد رحمت خداوند قرار می گیرند .

در آیه (۲۰) سوره اعراف ؛ خداوند برای آنکه آدم و حوا به درخت

ممنوعه دست نیازند با یک خطاب مشترک « لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَةَ » (۱) به آدم و حوا هر دو خطاب تکلیفی می کند .

در این آیه نیز برخلاف عقیده کلیسا که معتقد بود حوا یعنی زن موجب اغوا و فریب آدم یعنی مرد شده است ، صریحا باجمله «الم انهکما؟» نشان می دهـد که هر دو به طور مساوی در تخلف از امر الهی شـریکند و حوا گناه آدم را نبایـدبردوش بکشد و ازهمین تکلیف و توبیخ مشترک اشاره ای به منزلت برابر آن دو و وجود عقل و ادراک در هر دوست.

درسراسر قرآن تعبیرات و خطابات بسیاری با تعبیر : « یاأَیُّهَاالَّذینَامَنُوا »

۱- ۳۵ / بقره .

وجود داردکه اختصاص به مرد ندارد و شامل زن و مرد هر دو می شود .

همچنین در قرآن موارد بسیاری هست که نشان می دهد همانطور که بهشت و نعم دنیوی و اخروی برای مردان آفریده شده برای زنان نیز هست .

برخلاف نظر مسیحیت ، زن نه فقط جرثومه گناه و پلید بالذات نیست ، بلکه می تواند همچون زنانی که در قرآن از آنها به بزرگی و قداست یاد شده است مانند مریم و مادر موسی و ... یا مانند خدیجه و فاطمه زهرا علیهم السلام و برخی زنان دیگر صدر اسلام مثال و نماد عصمت و تقوی و عبودیت خدا باشد .

حقوق عمومی و خصوصی زن در اسلام

حقوق زن دراسلام را می توان به دو بخش تقسیم کرد، اول: حقوق عام یعنی

حقوقی که با مرد مشترک است و فرقی بین زن و مرددرآن وجودنـدارد. دوّم: حقوق خاص که ویژه زنان است و امتیازی برای زن درمقابل مردمحسوب می شود.

بخش اول «حقوق عام»

حقوق عام»

حقوق عام همان حقوقی است که زن و مرد به عنوان بشـر در آن مشترکنـد . همان طور که گفتیم ، زن در طول تاریخ همیشـه در ارتباط با بخشی از حقوق بشری خود محروم بوده است . اسلام با انقلاب اجتماعی و فرهنگی خود

توفـانی به پـا کرد و جـاهلیت زمـان خود را برانـداخت و برای نخستین بار تمام حقوق واقعی زن را به وی بخشـید ... و چهارده قرن پیش از آنکه اعلامیه

جهانی حقوق بشر سازمان ملل مساواتی از آن قبیل را بر روی کاغذ بیاورد ، آن را به وی باز داد .

در اسلام ، اصل حاکم همان مساوات زن و مرد است یعنی قاعده اقتضا می کند که به حکم انسان بودن آن دو میانشان تفاوتی نباشد و «اصل مساوات» بر آنها حکومت کند ، مگر آنکه بنا به مصلحت خود آنها ، استثنایی وارد شده باشد .

این اصل از نظر اعطای حقوق زن و به رسمیت شناختن آن اصل بسیار مهمی است .

اسلام حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، قضائی و دیگر حقوق زن را که در طول تاریخ ، سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی آن را خاص مرد

ص:۲۲

می دانست به وی بازگردانید و مساوات و تعادل بر هم خورده را دوباره برقرار کرد . ما در اینجا به عمده ترین این حقوق اشاره ای می کنیم و پس از آن به حقوق خاص زن می پردازیم .

الف حقوق اقتصادی

حقوق اقتصادی

حقوق عمده اقتصادی زن را که اسلام برخلاف سنن جاهلی حاکم بر اجتماع آن زنان به وی داد عبارتند از : حق مالکیت و حق توارث .

۱ حق مالکیت

زن در طول تاریخ اکثرا حق مالکیت نداشت ، بلکه به خود او به دیده یک

ص:۲۳

مال و ملک برای دیگران نگریسته می شد . در مواردی هم که زن مالک شناخته می شد اهلیت تصرّف و تمتّع از آن را نداشت . حتی تا دهه های اخیر در اروپا مالکیت و یا حداقل تمتع برای زن ممنوع بود ، یا به محض ازدواج از تصرف در بخشی از اموال خود ممنوع می شد و اداره آن به دست شوهر می افتاد . هنوز هم در برخی جوامع ، زن نمی تواند به طور کامل از دارایی خود استفاده کند .

اسلام علیرغم عقیده مردم زمان ظهور خود ، استقلال زن را ، همچون مرد ، در تملّک و تصرف و تمتع از اموالش به رسمیت شناخت و با آیه :

« لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبُوا وَ لِلنِّساآءِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبْنَ : مردان

نصیبی از آن چه به دست می آورند دارند و زنان نیزنصیبی و نباید حقوق

هیچ یک پایمال گردد».(۱)

مسلم ساخت که دستاورد و درآمد زن ملک خود اوست و شوهر یا مرد دیگری نمی تواند خود را مالک آن یا شریک در آن بداند . خدیجه همسر بزرگوار پیامبر ، دارایی بسیار داشت و با آن به تجارت می پرداخت یا به میل خود آن را در پیشبرد اسلام بذل و صرف می کرد .

غرب پس از قرن ها ستم به زن و سلب استقلال وی وقتی استقلال اقتصادی را به زن بازگردانید که انگیزه اش بهره برداری از آن استقلال برای کار ارزان برای سرمایه داران بود . از این روست که می بینیم همزمان با آزادی اقتصادی

۱- ۳۱ / نساء .

زن ، او را در کارخـانه هـا و فروشـگاهها بـه بردگی دسـته جمعی می گیرنـد و ضـربه دیگری کـه به وی می زننـد ایجـاد روح عصیان در وی علیه شوهر و خانواده و پدر است و استقلال او را مایه خانمان براندازی او می کنند .

اسـلام بـا اعلام اسـتقلال اقتصادی زن نه فقط او را به طغیان علیه شوهر و خانواده برنینگیخت بلکه به آن وسـیله خانواده را نیز استواری بخشید .

۲ حق توارث

ارث بردن نیز فرعی از حق مالکیت زن است و زن در بسیاری از تمدن ها و قوانین کشورها بالخصوص در عهد طلوع اسلام از ارث محروم بود و ارث دادن به زن چیزی قابل طرح محسوب نمی شد . این رسم حتی تا قرون بعد نیز

معمول بود ، فی المثل در اسکاندیناوی و برخی کشورهای اروپایی پیش از

ص:۲۶

جنگهای صلیبی و نفوذاسلام در اروپا به دختر ارث نمی دادند (۱)

اسلام این رسم جاهلیت را شکست و برای زن نیز مانند مرد حقی مسلم از ارث گذاشت که در بیشتر موارد یک دوم سهم مرد است .

این تفاوت و تبعیض هم فلسفه ای دارد و به قول علامه طباطبایی قدس سره نیمی از سهم مرد طبعا صرف نفقه و مخارج زن خواهد شد و به زن باز خواهد گشت .

در قرآن برای اثبات حق ارث برای زنان با آیه :

« لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمّا تَرَکَ الْوالِدانِ وَ الْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّساءِ نَصیبٌ مِمّا

۱- حسن صدر حقوق زن در اسلام ، ص ۳۳.

تَرَکَ الْوالِدانِ وَ الاْقْرَبُونَ مِمّا قَلَّ مِنْهُ اَوْ کَثُرَ نَصیبا مَفْرُوضا :(1)برای مردان ، از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان از خود برجای می گذارند ، سهمی است و برای زنان نیز ، از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند ، سهمی ، خواه آن مال، کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و پرداختنی» .

زن را در کنار مرد و همانند او و ذیحق در دریافت ارث معرفی کرد و استقلال او را نشان داد ، در شرایطی که در جامعه عرب آن روز و حتی

در سایر ملل معاصر ، زن نه ارث می بُرد و نه حق مالکیت داشت .

۱- ۷ / نساء .

ب حقوق سیاسی

حقوق سیاسی

حقوق سیاسی مهمترین حقوق فرد است زیرا به وسیله آن می تواند در سرنوشت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود مؤثر باشد و موضوع حاکمیت دولت و شکل حکومت و نحوه آن را تعیین کند و خود در جریان اجرای قوانین و وضع و نسخ آنها باشد و حسن اجرای امور را بخواهد و از خیانت و انحراف رهبران و مدیران کشور ممانعت به عمل آورد . عمده حقوق سیاسی مشترک زن و مرد را که اسلام به زن بازگردانید و او را در کنار مرد قرار داد عبارتند از : حق انتخابات

۱ حق شرکت در اجتماعات حق جنگ و دفاع

حق شرکت در دیپلماسی و قرارداد سیاسی .

بیعت یا حق انتخابات : اسلام در چهارده قرن پیش که گاهی حتی زن را جزء

ص:۲۹

انسان ها به حساب نمی آوردند و فرزند دختر را عار و ننگ می دانستند و با وی مانند کنیز و برده رفتار می کردند ، استقلال و مسئولیت سیاسی زن را اعلان نمود و به وی اجازه داد که راه خود را خود طی کند و خود سرنوشت خودرا رقم بزند و برای تعیین سیاست کشور و جامعه خود و تعیین رهبری به پیغمبر صلی الله علیه و آله دست بیعت بدهد .

«بیعت» در اسلام جلوه ای از حق انتخاب شخص است . در قرآن مجید آمده است :

« یا اَیُّهَا النَّبِیُّ اِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ ... فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّهَ اِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ:

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزدتوآیند و باتوبیعت کنندبا آن ها بیعت کن

وبرای آن هاازدرگاه خداوندطلب آمرزش نماکه خداوندآمرزنده ومهربان است»(۱)۱ حق شرکت در جمعه و جماعات :

حق شرکت در اجتماعات سیاسی یا مذهبی نیز یکی از اظهار مصادیق استقلال سیاسی زن و احراز حقوق اساسی اوست .

اسلام با اجازه مشارکت زن در اجتماعات (جز در مواردی که فسادانگیز یا موجب تعطیل شئون خانگی زن باشد) او را همدوش مرد قرار داده است تا به

جایی که برای دیگران می تواند خطابه ایراد کند یا درس بگوید و حتی برای زنان می تواند امام باشد .

۱- ۱۲ / ممتحنه .

شرکت وسیع و فعال زنان مؤمن و روشنفکر و شجاع ایران در اجتماعات سیاسی و راه پیمایی های خیابانی و نمازهای جمعه و جماعات چه پیش از انقلاب برای مبارزه با نظام سلطنتی و چه پس از آن در مقابل تهمت هایی که به زن مسلمان می زدند و اسارت یا فقدان حقوق اساسی او را مطرح می کردند ، می تواند گواه استقلال سیاسی و اجتماعی زنان در اسلام باشد .

۲ جنگ و دفاع

جنگیدن یکی از اقسام دفاع از استقلال و آزادی و حاکمیت شخصی یا اجتماعی و از شئون اجتماعی و از شئون سیاسی هر شخص است . زن حق

دارد برای دفاع از سرزمین و عقیده و شخصیتش تا حدودی که طبع و توان او اقتضا کند در جنگهای تدافعی یا تهاجمی شرکت نماید و حتی بخشی از آن

ص:۳۲

گـاهی براو واجب عینی می شود .شـرکت فعـال زنـان در پشت جبهه یکی از بـدایع اسـلام است و پیش از آن به آن وسـعت و کیفیت که در اسلام و زمان پیامبر زنان به میل خود و برای مشارکت در اهداف جنگ در آن شرکت می کردند . به زن اجازه عمل و استقلال داده نمی شد.

۳ حق پذیرش پناهندگی سیاسی

که نوعی حق بسـتن قرارداد سیاسـی است یکی از حقوق زنان است در اسـلام هر مسلمان حق دارد که در صورت وجود دیگر شرایط لازم ، به کسی که تقاضای پناهندگی سیاسی یا امان کند ، به نام حکومت اسلامی به وی وعده

امنیت و پناه جانی و سیاسـی بدهد و دولت مکلف است قبول ذمه او را بپذیرد و امضا کند و در حدیث نبوی آمده است که : « اَلْمؤمِنونَ ... يَسْعى بِذَّمِتِهِم

اَدْناهُم » و « یُجیر عَلَیْهم اَدْناهُم » (۱).

این حق حساس و بزرگ که در واقع نوعی نمایندگی از طرف دولت و وزارت خارجه حکومت اسلامی است ، در صدر اسلام به زن نیز داده شده است و درحدیث آمده است که : «اِنَّ الْمَرْأَهَ لَتُجیرُ عَلَی الْمُؤْمِنینَ فَیَجُوز» و در فتح مکه «ام هانی» خواهر امیرالمؤمنین علی علیه السلام به یکی از مشرکین مکه پناهندگی داد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پناهندگی وی را تنفیذ فرمود .

به قول یکی از نویسندگان عرب (۲)، این بالاترین درجه اعتماد اسلام را به

۱- کمترین آنها می تواند امان نامه بدهد.

۲- البهی الخولی ، الاسلام و المرأه المعاصره ، ص ۲۹.

زن و اهلیت و لیاقت سیاسی او را می فهماند و موقعیت والای او را نشان می دهد که در جای دیگری نظیر آن نیست .

ج حقوق خانواده

اسلام حق انتخاب همسر را برای زن که نشانه شخصیت مستقل و آزاد اوست و در طول تاریخ از آن محروم بوده، به وی عطا کرد و اهمیت این اراده و آزادی طرفین زناشویی در بقا و دوام خانواده و همچنین اهمیت

خانواده در اجتماع بشری پوشیده نیست .

زن در حقوق اسلام و به موجب این حق ، هرکس را که شایسته با خود نداند می تواند نپذیرد و کسی حق تحمیل و اکراه او را ندارد و نکاحی که از

روی اکراه باشد و زن بدان رضایت نداشته باشد ، باطل است (فقط در مورد دختر باکره که رضایت پدر تا حدودی که مضر به مصالح دختر نباشد ، شرط است یعنی مانند حق «وتو» برای پدر ، حق مخالفت گذاشته شده است تا به سود دختر و برای جلوگیری از سوءاستفاده مردها از سادگی و جوانی ، دختران مورد فریب قرار نگیرند و سرمایه خود را به آسانی از دست ندهند) .

در عقد ازدواج ، علاوه بر شرط رضایت زن ، صیغه «ایجاب» با زن است یعنی زن همیشه در عقد ازدواج پیشنهاد دهنده و کارگردان اصلی آن محسوب

می شود و مرد «پذیرنده» و «طرف قبول» و مشتری ؛ و این شدت آزادی و اختیار زن

را می فهماند .

در اسلام ، ازدواج را که امری فرخنده است به دست و اختیار زن

ص:۳۶

گذاشته اند و طلاق که شوم و خانمان برانداز و درخور حوصله و منطق قوی است و آن را با ترازوی احساسات نمی توان سنجید در اختیار مرد قرار گرفته است .

پیش از اسلام همسر دادن دختر به اراده پدر بود و دختر اصلاً حق اعتراض نداشت و حتی گاهی دو نفر ، دختران را به طور معاوضه ای به همسری یکدیگر می دادند ، که به عنوان «نکاح شغار» در کتب فقهی مطرح و در اسلام حرام و ممنوع شناخته شده است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود بهترین نمونه این رعایت آزادی دخترش بود و قصه خواستگاری علی بن ابی طالب علیه السلام و اجازه خواستن پیامبر از فاطمه زهرا علیهاالسلام معروف است .

برخی لزوم دخالت پـدر را در باکره منافی اسـتقلال دختر می داننـد و از اسـلام انتقاد می کننـد و حال آنکه این اجازه دلیل بر قصور و عدم رشد یا عدم استقلال دختر نیست ، وگرنه در اداره اموال یا در صورتی که غیرباکره باشد به وی استقلال نمی داد . دخالت نسبی و محـدود پـدر در مورد دختر باکره برای حمایت و حراست دختران بی تجربه در ازدواج ، از شـکست دراولین ازدواج و برای جلوگیری از سقوط در دام مردان خوش ظاهر ولی فریبکار و بدون صلاحیت است .

د حقوق قضایی

یکی از مهمترین حقوق اجتماعی انسان حقوق قضایی اوست که عمده آن

حقوق عبارت است از : حق طرح دعوی یا شکایت و حق مراجعه به مراجع قضایی (ولو برخلاف میل شوهر یا پدر و یا علیه آنان) شرکت در محاکم و مراجع مزبور و یا تقاضای اجرای حکم از قبیل قصاص تعزیر و حقوق مالی یا برای ادای شهادت و امور دیگر مربوط به امر قضا . در این حقوق میان زن و مرد در اسلام فرقی نیست و اعطای این حقوق به زن و قرار گرفتن وی در کنار مرد و مساوی با او در تاریخ حقوق زن در جهان ، انقلابی محسوب می شود .

ه حقوق اجتماعی

علاوه بر آنچه گذشت ، حقوق اجتماعی دیگری وجود دارد مانند : حق امر به معروف و نهی از منکر شرکت در خدمات و مددکاری های اجتماعی کار و

کسب تحصیل علم و فن و هنر و نیز عمل به واجبات شرعی اجتماعی مانند حج و دیگر اجتماعات سیاسی و عبادی و امثال آنها ، که زن پیش از آن یا از داشتن آنها به کلی محروم بود یا آنکه اختصاص به زنان اشراف و سلاطین داشت . اسلام زن را درتمام شئون و حقوق اجتماعی همدوش مرد قرارداده است مشروط بر آنکه اخلالی به وظایف خاص زن و تعهدات طبیعی و اجتماعی او نسبت به شوهر و فرزندان وارد نکند و او را از «هنر زن بودن» تهیدست نسازد .

بخش دوم حقوق اختصاصی

حقوق اختصاصی

دین اسلام با رعایت ویژگی ها و مختصات طبیعی و اجتماعی زن ، علاوه بر حقوق مشترک وی با مرد (که نام آن را حقوق عام گذاشتیم) حقوق ویژه ای نیز

برای زن قرار داده است . همچنان که در مقابل این حقوق اختصاصی ، تکالیفی اختصاصی نیز برای او وضع کرده است ودرقرآن مجید نیزصریحا درکنار حقوق زن تکالیف او نیز یاد شده است :

« وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذی عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ : زنان نیز همچون شوهران حقوقی دارند» .(۱)

حقوق اختصاصی زن نیز دارای همان تقسیم قبلی است و نیز می توان آن را

به حقوق مالی و حقوق معنوی تقسیم نمود .

۱- ۲۲۸ / بقره .

الف حقوق مالی

۱ مهریه

یکی از حقوق زن «مهریه» یا «صداق» است که در فارسی به آن «کابین» می گویند .

مهریه در اسلام حقی مالی است که به محض زناشویی بر گردن مرد قرار می گیرد اگرچه در قرارداد نیامده باشد ؛ در قرآن کریم آمده است :

« وَاتُوا النِّساآءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً : و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک عطیّه (الهی) به آنان بپردازید » (۱)

۱- ۴ / نساء .

مهریه در نظر اسلام نوعی هدیه و پیشکش است که باید مرد به عنوان ابراز محبت و وفاداری ، به بهترین وجه آن را به زن تقدیم کند .

در آداب و رسوم جاهلیت ، مبلغی به عنوان شیربها (یا بهای خدمات پدر و مادر) به پدر دختر پرداخت می شد و تصویر بر این بود که شوهر ، آن دختر را مقابل شیربها از پدر خریداری می کند و مالك او می شود . این سنت و فکر جاهلی موجب رابطه حقوقی غلطی بین زن و شوهر می شد که نتیجه اش اسارت دائمی زن و بی حرمتی به او می گردید ، ولی در اسلام مهریه بر اساس چند چیز است :

اول بر اساس شخصیت و استقلال زن ، نه بابت بهای او و پرداخت به بستگانش ، دوم براساس عزت و حرمت زن ، زیراکه مهریه هدیه است و هدیه و پیشکش را نزد بزرگان یا کسی می برند که دل به او سپرده باشند و برای او قدر

و مقامی و حرمت و عزتی قائل باشند . سوم براساس استقلال اقتصادی زن که او را لایق تملک و تصرف در اموال می دانند . چهارم بر اساس اینکه رابطه زن و شوهر که بالاتر از یک معادله ساده است و در آن عاطفه و مهر نقش مهمی دارد زیرا زن با مهریه ملک شوهر نمی شود ولی قلب او باید به تسخیر مرد در آید و کلمه «نحله» در قرآن باکمال ظرافت به این نکته اشاره دارد .(1)

۲ نفقه

نفقه نیز یکی دیگر از حقوق اختصاصی زن و از تکالیف مرد است . نفقه عبارت است از پرداخت هزینه های عمومی و عادی زن در خانواده ، مانند

ص:۴۴

۱- ازدواج مکتب انسان سازی ، شهید دکتر سیدرضا پاک نژاد ، ج اول ، ص ۱۹۴ .

خوراک و پوشاک و مسکن و دیگر مایحتاج ضروری زندگی فردی زن در حد شأن و مرتبت وی . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه آخرین خود با اشاره به اهمیت این حقّ فرمود :

« ... فَعَلَيْكُمْ كِسْوَتُهُنَّ وَ رِزْقُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَاِنَّمَا النِّساء عِنْدَكُمْ عَوانٌ لا يَمْلِكْنَ لِاَنْفُسِهِنَّ شَيْئا ، اَخَذْتُمُوهُنَّ بِاَمانَةِ اللّهِ وَ اسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ

بِكَلِمَةِ اللّه .... » .

علاوه بر تکلیف مرد به پرداخت هزینه زندگی عادی زن و تأمین مایحتاج اولیه و ضروری او ، بنابر حکم صریح اسلام ، مردان بهتر است (مستحب است) که برای تحصیل درآمد بیشتر به منظور تأمین رفاه بیشتر زن و خانواده ، به کار بیشترپردازند و مستحب است به مقدار لازم و ضروری مایحتاج اکتفا نکنند و حتی در حدیثی از امام رضا علیه السلام با تعبیر وجوب از آن یاد شده است :

« صاحِب النَّعْمَهِ یَجِبُ اَنْ یُوسِعَ عَلی عِیالِهِ » (۱)

ب حقوق معنوی

۱ خوشرفتاری

اگرچه از نظر اخلاق ، داشتن رفتاری خوش هم وظیفه مرد است و هم زن و عقلاً هم رعایت این قاعده برای کیان خانواده و حسن جریان روند تکامل روحی و معنوی آن دو ضروری است ، ولیکن قانون اسلام آن را وظیفه خاص مرد و حق اختصاصی زن قرار داده است ، مشروط بر آنکه خود زن نیز به آن علاقمند باشد و اسباب و امکانات ظاهری آن را برای مرد فراهم و به وی کمک

۱- تحف العقول ، ص ۳۳۰.

کند ، نه اینکه با روشهای مختلف ، دانسته یا ندانسته ، انجام این وظیفه را بر مرد مشکل سازد و زندگی را بر هر دو تلخ .

خوشرفتاری بازن مخصوص همسران نیست بلکه حتی نسبت به دختران

نیز رعایت آن بر والدین شرط شده است.

قرآن و حدیث هرگونه سوء رفتار و فشار را نسبت به زن شدیدا نهی و منع کرده است و تخلف از آن گاهی ضمانت اجراء مجازات دارد .

در حدیث نبوی آمده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود : برادرم جبرئیل به اندازه ای به ما نسبت به زن سفارش کرد که گمان کردم به او «اف»(۱)هم نمی توان گفت . و در حدیث دیگر آمده است که در بهشت مقامی است که سه

۱- کمترین کلمه ای که توهین آمیز باشد.

نفر به آن می رسند : حاکم عادل خوشرفتار به زن صبور بر عیوب زن .

نمونه دیگری از این قبیل روایات عبارتند از :

« ما اَکْرمَ النِّساءَ اِلّا کریمٌ وَ ما اَهانَهُنَّ اِلّا لَئیمٌ »

« اَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهالِیَصْفوا عَیْشَک »

« لَعَنَ اللّهُ مَنْ ضَیَّعَ مَنْ یَعُول »

« اَیُّهَا النّاسُ أِنَّ لِنسائِکم عَلَیْکم حَقّا وَ لَکُمْ عَلَیْهِنَّ حَقّا ... فَاتَّقُوا اللّهَ فِی النِّساء وَ اسْتَوْصُوا بِهِنَّ خَیْرا » .

اسلام رفتار خوش و نیک خواهانه مرد را نسبت به زن حتی در هنگام عدم امکان ادامه زندگی و لزوم طلاق نیز واجب می داند.

از این حق اختصاصی زن در قرآن با تعبیر «تسریح به احسان» یاد شده است و در آیات متعددی (از جمله آیات ۲۲۹ ۳۳۱ سوره بقره و ۴۹ از سوره

احزاب) به آن تصریح گردیده است . یعنی مرد هنگامی که قادر به نگهداری

زن نباشد باید او را رها کند ، نیز لازم است که این رهایی به صورت احسان و محبت و باقی گذاشتن خاطره ای خوب باشد ، نه آنکه بابت جدایی از زن مالی مطالبه کند و نه به او شکنجه و آزاری برساند .

۲ حق رفاه و خدمت

یکی از تکالیف مرد در اسلام تأمین رفاه زن است . زن در اصل موظف به کار در منزل و خدمت به مرد در خانه نیست . اگرچه بالطبع هیچ زنی مایل به ترک کار منزل نمی باشد ، بلکه حتی تحمل ترک یا منع آن را ندارد و شکنجه روحی بالاتر از آن نیست که زن را از کار و اعمال نظر و سلیقه در خانه اش مانع گردد .

ص:۴۹

هر زنی بـا کـار در منزل هویت خود و ریاسـتش بر منزل را تجسم می بخشـد و معمولاً مردی تاکنون از خـدمات و کار زن در خانه محروم نبوده است . لکن وضع این قانون و اعلام این حق که زن را از عهـده دار قانونی بودن کار در منزل معاف می کند نیز تحولی بی نظیر در حقوق زن و انقلابی بی سابقه و حرکتی کوبنـده در تاریـخ برای از میـان برداشـتن سـنت غلط کنیزی و خدمتکاری زن بود .

اسلام با این قانون ثابت کرد که زن نه فقط برای خود حقوقی دارد و مرد باید مساوات و عدالت را رعایت کند بلکه زن ، بانو و سوگلی خانه است که بایـد خواجه وار بنشـیند و شوهر کمر خـدمت او را ببنـدد تـا بتوانـد به وظـایف خود با روحی آرام و اعصابی سالم عمل نماید و شوهر مکلف است به همسر خود به چشم هدیه ای آسمانی بنگرد که در دامان او افتاده نه حیوانی

بارکش یا کنیزی زرخرید یا خدمتکاری کمربسته که وظیفه او کار و تلاش

برای رفاه و لـذّت مرد است و صـد البته زن نیز بایـد بـا کردار و اخلاـق خود شایسـتگی و لیاقت این جاه و جلال را برای خود اثبات کند .

اعلامیه حقوق بشـر که اوج تلاش اندیشـمندان و سیاستمداران غرب برای احراز حقوق بشری انسانهاست ، از زن فقط در زمان آبستنی و مادری حمایت کرده است (بند دوم ماده بیست و پنجم) و در سراسر این اعلامیه و میثاق بین المللی و حقوق مدنی و سیاسی ضمیمه آن هیچ جا از زن به عنوان موجودی درخور حمایت یاد ننموده است .

اعلامیه مزبور در جایی که خواسـته به زن حقوق بشـری او را بدهد با طرح مساوات کور که مقصودش تشابه همه جانبه حقوق زن و مرد است ، ظالمانه

حقوق اختصاصی و سیاسی حیات زن را نادیده گرفته و به دور افکنده و تباه کرده است .

ص:۵۱

در اعلامیه مذکور (در ماده بیست و سه بند سوم و ماده بیست و پنج بند یکم) حداکثر عنایتی که به زن به عنوان عضو خانواده مرد شده آن است که مرد معاش او را برعهده داشته باشد ، یعنی همان حقوقی که حیوانات اهلی بر گردن مالکین خود دارند . زیرا پرداخت و تأمین معاش و نفقه زن نه کمال زن را ثابت می کند و نه نقص او را ، بلکه ناظر به اصول دیگری است .

ولی در منشور اسلام ، زن اساسا موجودی با روح لطیف و شکننده شناخته شده است که مرد مکلف است او را همان طور که هست بشناسد و آن گونه که بایست با وی رفتار کند نه آن گونه که خود می فهمد یا می خواهد .

... زن به نظر اسلام همچون آبگینه یا شاخه گل ریحانه است همانطور که در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که : « رُوَيْدَكَ ! رِفْقا بِالْقَوارير » و در بیانی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام : « اَلْمَرْأَةُ رَيْحانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرِمانَةٍ ... » یعنی زنهار که

بـا آبگینه مـدارا کنیـد و زن خـدمتکار و کـارگزار خـانه نیست ، اگرچه او با طبیعت سامان بخش خود آن را یک تنه بر دوش خواهد کشید .

۳ حق مبیت و مضاجعه

یکی دیگر از حقـوق زن بر مرد آن است که مرد ترک مضـاجعه و همبسـتری نکنـد و در صورتی که مرد بیش از یـک همسـر داشته باشد مکلف است به «مبیت» یعنی تنها نگذاشتن زن در شب و با وی بسر بردن در خانه (که

احکام این دو در کتاب های فقهی آمده است) .

مضاجعه یکی از اهـداف زناشویی است و به همین جهت اگر مرد مبادرت به «ایلاء» کند یعنی سوگند بخورد که به قصد آزار زن خود با وی مواقعه نکند ، اسلام دادگاه را ملزم کرده که مرد را یا به شکستن سوگند و پرداخت «کفاره» آن

ص:۵۳

که نوعی جریمه نقدی است یا تن دادن به طلاق الزام کند و اگر در مرد عیبی باشد که مانع عمل مواقعه باشد زن حق فسخ نکاح دارد .

به حکم اسلام مرد حتی حق ندارد به علت کثرت عبادت و زهد بسیار از این حق زن بکاهد . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از کسانی که مراوده با زن را در راه ریاضت و عبادت قطع کرده بود فرمود :

« اِنَّ لِزَوْجِكَ عَلَيْكَ حَقّا »

حق دیگری که زن در مقابل زنان دیگر شوهر خود دارد (در مواقعی که شوهر وی همسران متعددی داشته باشد) تساوی حقوق همسری میان همه زنان است ، در مبیت و لزوم اجرای عدالت لازم . (که فقها با اندکی اختلاف در

مسأله در اصل آن اتفاق نظر دارند) .(۱)

پایگاه اجتماعی زن در اسلام از دیدگاهی دیگر

در اسـلام ، زنـان چون مردان در بیشتر مسائـل اجتمـاعی پایگاه و جایگاهی مناسب دارنـد و از حرکت های اجتماعی و فعالیت های گروهی ممنوع نگردیدند، بلکه طبق تعالیم مسلّم قرآنی و حدیثی ، مسئولیت های اجتماعی

به طور یکسان متوجه مرد و زن است . تنها موضوع جهاد از زنان برداشـته شـده است ، البتّه تنها جهاد و نه مبارزات دیگر چون مبارزه دفاعی و یا بسیاری از مقدمات یا ملازمات و یا مؤخرات جنگ و جهاد .

۱- کتاب حقوق زن ، تألیف سیدمحمد خامنه ای .

قرآن می گوید :

« وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بَالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلوهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکوهَ وَ یُطِیعُونَ اللّه َوَ رَسُولَهُ اُوْلئِکَ سَیَرْحَمُهُمُ اللّه ُاِنَّ اللّه َعَزِیزٌ حَکیمٌ :(۱)

مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی بر برخی ولایت (سرپرستی) دارند. به

معروف یکدیگرنـد را امر می کنند و از منکر بازمی دارند و نماز می گزارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند ، خدا اینان را رحمت خواهد کرد . خدا پیروزمند و حکیم است » .

در این فرموده خداوند زنان چون مردان دارای مسئولیّت بزرگ سرپرستی ،

۱- ۷۱ / توبه .

ولایت و مدیریت اصلاحی می باشند ، از این رو، به هدایتگری و امربه معروف و بازدارندگی از زشتی ها و ناهنجاری ها می پردازند .

با گستردگی مفهوم منکر و معروف در اسلام، گسترده دخالت های اجتماعی زن روشن می شود . بنابراین در همه عرصه هایی که مردان حکومتی در رأس هرم مسائل اجتماعی قرار دارد و زنان نیز چون مردان باید در آن دخالت کنند و نقش داشته باشند .

از این رو ، می نگریم که درصدر اسلام ، زنان در مسائل سیاسی دخالت کردند و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند .

در روز غدیر در روایات آمده است که برای بیعت زنان با امام علی علیه السلام ، ظرف آبی آوردند و زنان با دست نهادن در آب با امام به عنوان رهبر آینده جامعه اسلامی بیعت کردند .

ص:۵۷

همچنین زنان ، در نهضت بزرگِ اجتماعی سیاسی هجرت نیز شرکت کردند و مهاجرت آنان چون مردان پذیرفته شد . آن هم در دورانی که زنان از اکثریت حقوق خویش محروم بودند و حق دخالت در کوچکترین مسائل اجتماعی را نداشتند .

قرآن کریم می فرماید :

« یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اِذا جاءَکُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اَللّه اَعْلَمُ بِایمانِهِنَ فَاِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ اِلَی الْکُفّارِ ...(۱): ای دین باوران، چون زنان مؤمنی که مهاجرت کرده اند به نزدتان آیند، بیازماییدشان . خدا به ایمانشان داناتر است ، پس اگر دانستید که ایمان

ص:۵۸

۱- ۱۰ / ممتحنه .

آورده اند ، نزد کافران بازشان مگردانید ...» .

امتحان زنان مهاجر به این علت بود که جدایی آنان از خانواده ، به خاطر اختلافات خانوادگی یا ناخواهانی با همسرانشان نباشد، چنان که در شأن نزول آیه در تفاسیر آمده است . امتحان بدین صورت بوده است که زنان مهاجر

سوگند یادمی کردند که مهاجرتشان از ناخواهانی با همسران و دلزدگی از شهر و آبادی و دلدادگی به آبادی های دیگر و یا مسائل دنیایی نباشد .(۱)

در نهضت های اجتماعی دیگر نیز زنان می توانند مشارکت داشته باشند و جریان ها و حرکتهای سالمی برای هدایت جامعه پدیدآورند و یا در نهضت های اجتماعی شرکت جویند . نهضت عاشورا بهترین نمونه این

ص:۵۹

۱- تفسیر مجمع البیان ، ج ۹ ، ص ۲۷۳ .

مشـارکت است و در دوران اخیر نیز نقش زنـان در نهضت تنباکو است که تا درون دربار شاهی کشـیده شـده و نظام حاکم را واداشت که به فتوای مرجع بزرگ آیه اللّه شـیرازی تن دهـد و در زمان حاضـر نیز نقش آفرینی های حماسـی زنان در انقلاب اسلامی روشن است .

درپست های اجتماعی نیز زنان می تواننـد شـرکت کننـد ، تنها در موضوع نبوّت و امامت است که زنان شـرکت ندارنـد . البته صعـود به مقـام عصـمت و ولاـیت ، که جوهر اصـلی نبوّت و امـامت است در شـأن زن هست و بـانوی بزرگ حضـرت فـاطمه علیهاالسـلام دارای این مقـام است ، لیکن نبوت و امـامت اجتمـاعی که با دشواری های طاقت فرسایی همراه است ، به زن داده نشـده است . در مرجعیت تقلیـد نیزبرخی قیـد مرد بودن را شـرط نمی دانند درصورتی که زن یا زنانی شـرایط کلی آن را دارا باشند .

ص:۶۰

در آینـده تاریـخ و دوران ظهور نیز زنان نقش اجتماعی مهمی دارند و در انقلاب جهانی امام مهدی علیه السـلام مشارکت می کنند و نخبگانی از ایشان در کادرِ آن انقلاب قراردارند :

امام باقر علیه السلام می فرماید : «... و یَجی ءُ وَ اللّه ِ ثَلاثُماًَهٍ وَ بَضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فیهِمْ خَمْسُونَ امرأهً ... :(۱)

«به خدا سوگند سیصد و سیزده تن از مردان نزد او آیند ، که با آنان پنجاه زن نیز هست ...» .

این موضوع نقش اجتماعی زنان را درآینـده می رساند، به ویژه باتوجه به این هسـته نخستین یاران امام موعود علیه السـلام ، از فهم و درک و دین باوری و دین شناسی

۱- تفسیر عیاشی ، ج ۱ ، ص ۶۵ ، عصر زندگی ، ص ۷۵ .

ژرفی برخوردارنـد و شخصـیت های ممتاز و اسـتثنایی هسـتند و شـرکت در این گروه ، دانش و بینش و توان فکری و علمی و قدرت روحی ویژه ای را می طلبد .

«ابونصـیر گویـد : به امـام صادق علیه السـلام گفتم: فـدایت گردم درآن روزگار (روزگارظهور) مؤمنانی جزیاران مهـدی علیه السـلام وجود ندارنـد؟ امام فرمود : آری مؤمنانی جز آنان هسـتند ، لیکن آن گروه که با قائم علیه السـلام هنگامی که قیام می کند کار می کنند ، زبدگان و قاضیان و حکم گزاران و فقیهان و دین شناسان هستند ...» .

«جُعِلْتُ فِداکَ لَیْسَ عَلَی الْأَرْضِ یَوْمَئِذٍ مُؤْمِنٌ غَیْرُهُمْ (اَصْحابُ الْمَهْدی)؟ قالَ : بَلی وَلکِنْ هذِهِ الَّتی یُخْرِجُ اللّه فیهَا الْقائِمَ ، وَ هُمُ النُّجَباءُ وَ

ص:۶۲

الْقُضاهُ وَ الْحُکّامُ وَ الْفُقَهاءُ فِی الدّینِ ...»(۱)

بر اساس ضرورت آمادگی برای دوران ظهور دست کم در جامعه منتظرِ زنان پیش از ظهور باید در پهنه ژرف شناسی دین (تفقه و فقاهت) و درک درست از مدیریت های اجتماعی و زمامداری ، گام بگذارند و آمادگی های و تناسبهایی در این سطح در خویش پدید آورند، تا بتوانند در آن دگرگونی و انقلاب بزرگ جهانی ، شرکت کنند .

در قضاوتِ زنان نیز نظریات گونه گونی ارائه شده است و گرچه گروهی از فقها این منصب را برای زن روا نمی دانند و برخی این موضوع را اجماعی نیز پنداشتند، لیکن پاره ای از فقهای گذشته و زمان حاضر قضاوت زن را مجاز

۱- عصر زندگی ، ص ۱۰۴ ، به نقل از منتخب الاثر ، ص ۴۸۵ .

می دانند . از گذشتگان چون مقدس اردبیلی ایشان ممنوعیت کلی قضاوت زن را درست نمی داند .(۱)

استدلال مخالفان قضاوت زن چندان استوار نیست و اجماع نیز اثباتش بسیار دشوار است .

دلیل دیگر مخالفان ، حدیث امام صادق علیه السلام است :

«ابی خدیجه می گوید : امام صادق علیه السلام مرا با این پیام نزد شیعیان فرستاد که : مبادا هنگام درگیری ها یا اختلافهای مالی برای قضاوت نزد این قاضیان فاسد بروید ، بلکه مردی را که حلال و حرام (احکام) ما را می شناسد میان خود تعیین کنید که من او را برای شما حاکم و قاضی قراردادم و بپرهیزید از

۱- مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ج ۲ ، ص ۱۵ .

این که برای امر قضاوت به حاکم ظالم رجوع کنید» .

«ابی خدیجه : بعَثَنی اَبوعَبْدِاللّه اِلی اَصْحابِنا ، فَقال : قُلْ لَهُمْ : اِیّاکُمْ اِذا وَقَعَتْ بَیْنَکُم خُصومَهٌ اَوْ تَداری فِی شَی ءٍ مِنَ الاَخْذِ وَ الْعَطاءِ اَنْ تُحاکِمُوا اِلی اَحدٍ مِنْ هولاءِ الْفُسّاقِ ، اِجْعَلُوا بَیْنَکُمْ رَجُلاً قَدْ عَرَفَ حَلالَنا و حَرامَنا ، فاِنّی قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَیْکم قاضِیا ، و اِیّاکم اَنْ یُخاصِمَ بَعضُکُم بَعَضا اِلی السُّلطانِ الْجائِر » .(۱)

تردید نیست که این «رجلٍ» منظور جنس نرینه نیست ، بلکه منظور فرد انسانی است که به این مرحله از درک و دریافت دینی رسیده باشد و در

احادیث حلال و حرام و قوانین استنباط شده از آن ، صاحب درایت و

ص:۶۵

۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۱۰۰ .

تشخیص باشد و زن و مردی معیار نیست ، زیرا بسیاری از تعبیرها یا خطاب ها که به جنس مذکر است، خطاب عام و به نوع انسان متوجه است . خطاب ها بیشتر به مردان است ، چون مردان در جامعه، حضور آشکارتر و روشن تری داشتند و به آنان بیشتر دسترسی بوده است . بنابراین در این گونه احکام جنسیّت شرط نیست ، بلکه قضیه خارجیه و آیین محاوره آن دوران بوده است .

از مجموع حدیث نیز این موضوع روشن می شود که بیشترین حساسیّت و تأکید در کلام امام بر داوری حاکمان ظلم و قضاوت آنان است . در حدیث بر دو محور تأکید شده است :

۱ . قاضی اهل حق و مذهب عدل باشد .

۲ . عالم و آگاه به مسائل قضاوت باشد.

پس جهت گیری کلی حدیث به شایستگی علمی و عملی قاضـی بازمی گردد و پرهیز دادن از مراجعه به دادگاه های طاغوتی است ، نه موضوع جنسیت در قاضی .

بنـابراین ، دلایـل قضـاوت شامـل هر انسانی می شود که شـرایط قضاوت را دارا باشـد . علم ، تقوا، دقت نظر و قـدرت تصـمیم گیری به دور از احسـاس و عواطف ، شـرط لازم است . بنابراین قضاوت زن شـرط خاص و دلیل مخصوص نمی خواهـد ، در صورتی که شـرایط عمومی جواز قضـاوت وجود داشـته باشـد . حـدیث دیگری نیز علیه قضاوت زن مورد اسـتدلال قرار گرفته است و آن

حدیثی است که شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه بابی را برای آن تشکیل داده است با این عنوان :

« بابُ اَنّ الْمَرْأَه لا تَوَلّی الْقَضاء » و در ذیل این عنوان تنها یک حدیث

آورده است بدین سان :

پیامبر صلی الله علیه و آله فی وَصیِّته لِعلیٍّ علیه السلام : « یا علیُّ لَیْس عَلَی الْمَرْأَهِ جُمُعَهٌ ... و لا تَوَلَّی الْقَضاءَ : نماز جمعه بر زنان نیست و قضاوت نیز برای ایشان روا نیست» .(۱)

به این حدیث در مورد نماز جمعه عمل نکردند و آن را نپذیرفتند و نرفتن نماز جمعه را برای زن صحیح ندانستند . حال چگونه می شود که فرازی از

حدیث پذیرفته نشود و فراز دیگر آن مقبول باشد . به هر حال استدلال به این حدیث نیز کاملاً دچار اشکال است .

آری این موضوعی است که باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و کاری

۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۸ ، ص ۶ .

کارشناسانه (فقیهانه) می خواهد . البتّه کسانی از فقهای معاصر در این زمینه تحقیقاتی عرضه کردند و قضاوت زن را بی اشکال دانستند .

پس از این بررسی اجمالی ، یادآوری این نکته نیز مفید است که قضاوت از جمله کارهای بسیار دشوار است . صحنه های دادگاهها ، مجریان و جانیان و نوع خلافکاریها ، مدعیان ، شاکیان و ... از یک سو و از سوی دیگر نگرانی های شدید الهی و وجدانی در شناخت حق و حکم به عدل و سرانجام حساب و کتابهای اخروی ، که براستی ژرفای وجود آدمی را می لرزاند . با توجه به این

مسائل ، قضاوت کاری دشوار خطرآفرین است و در تعالیم ما در این باره تعبیرهای بسیار کوبنده روایت شده است ، که هر کسی اندکی آن ها را بنگرد برای او بسیار دشوار است که در این میدان گام گذارد . اکنون تنها یک حدیث در این زمینه یادآوری می شود :

امام صادق علیه السلام : « اَلْقُضاهُ اَرْبَعَهٌ ثَلاثهٌ فِی النّار وَ واحِدٌ فِی الْجَنَّهِ : رَجُلٌ قَضی بِجَوْرٍ وَ هُوَ یَعْلَمُ فَهُوَ فِی النّارِ وَ رَجُلٌ قَضی بِجَوْرٍ و هُوَ لا یَعْلَمُ فَهُوَ فِی النّارِ وَ رَجُلٌ قَضی بِحَقٍّ وَ هُوَ لا یَعْلَمُ فَهُوَ فِی النّارِ وَ رَجُلٌ قَضی بِالْحَقِّ وَ هُوَ یَعْلَمُ فَهُوَ فِی الْجَنَّهِ » :

«قاضیان چهار گروهند ، سه گروه دوزخی و یک گروه بهشتیند :

۱ کسی که به ظلم قضاوت کند و می داند که قضاوتش ظالمانه است.

۲ کسی که به ظلم داوری کند و نمی داند که ظلم است.

۳ کسی که به حق و داد داوری کند و نمی داند که به عدل حکم داده است.

این سه گروه دوزخیند .

ص:۷۰

۴ کسی که به حق قضاوت کند و می داند که حق است این بهشتی است» (۱)

در احادیثی قضاوت کار پیامبران و اوصیای آن ها شمرده شده است و در سخنی از امام علی علیه السلام ، دشواری قضاوت را چون دشواری حکومت بر جامعه شمرده است : « کودکانی نوشته هایشان را به داوری نزد امام علی علیه السلام بردند تا بهترین را مشخص کند . امام فرمود : « اَما اِنّها حُکومَهٌ وَ الْجَوْرُ فیها کَاالْجَوْرِ

فِی الْحُکمِ : آگاه باشید این خود قضاوت است و ظلم و گزافه در این داوری ، چون بیداد در کار حکومتگران است » .(۲)

اکنون با توجه به این دشواری ها در کار قضاوت ، آیا برداشتن آن از دوش طبقه ای یا افرادی ، نوعی خدمت است و رعایت حال این گروه یا طبقه یا

۱- کافی ، ج ۷ ، ص ۴۰۷ .
۲- کافی ، ج ۷ ، ص ۴۰۷ .

موجب کم بینی و نفی شخصیت آنان ؟! به نظر این بی نهایت کوچک، برداشتن بار مسئولیت قضاوت از دوش زنان ، بر فرض اثبات آن ، پیام آور خدمتی بزرگ به این بخش از جامعه انسانی است، چون دیگر کارهای سخت و مشقت زا همانند جهاد. به ویژه با توجه به این واقعیت که زنان از مردان

عاطفی تر و بااحساس ترند . ضمن آن که عواطف در کار داوریِ درست ، انسان را دچار بحران های شکننده ای می سازد.

دربخش پایگاه اجتماعی زن، به دو بخش ازفعالیت های اجتماعی به خاطر اهمیتی که دارد، اشاره ای گذرا می شود:

الف روشنترین موضوعات در اسلام ، جانبداری اصولی از رشد علم و گسترش آموزش و دانایی در سطح جامعه است ، بدون فرق و تمایزی میان افراد و طبقات . آیات قرآنی در این زمینه بسیار گویاست و تعالیم حدیثی

ص:۷۲

نیزبسیار گسترده و عمیق برضرورت رشدشناخت و عقل گرایی، تأکید کرده است. حتّی دین به عقل تعریف شده است :

امام علی علیه السلام : « اَلْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ داخِلٍ ، وَ الشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خارِجٍ » (۱):

عقل شریعت درونی ، و شرع عقل بیرونی انسان است » .

سخن والای پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه بسیار معروف است که فِرَق اسلامی آن را بازگو کرده و پذیرفته اند:

پیامبر صلی الله علیه و آله :« طَلَبُ الْعِلْمِ فَریضَهٌ عَلیکُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَهٍ(۲): طلب علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب است» .

ص:۷۳

۱- مجمع البحرین ، ج ۲ ، ص ۲۲۴ ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی .

۲- الحیاه ، ج ۱ ، ص ۷۰ ، گردانیده فارسی .

در این حدیث ، طبق برخی نقل ها ، واژه «مسلمه» نیست . در این باره صاحبنظران می گویند در اینگونه احادیث یا آیات «مسلم» اسم جنس است و شامل مرد و زن می شود چون مؤمن و ...، این موضوعی تردیدناپذیر است .

در بسیاری از آموزش ها ، چون آموزش اصول اعتقادات و احکام شرعی که زنان باید بدانند، اذن شوهر نیز شرط نیست چون دیگر اعمال تکلیفی که منع شوهران در آن تأثیری ندارد .

از این رو، می نگریم که پس از ظهور اسلام و برداشتن موانع علم آموزی از سر راه همه بویژه این قشر ، زنان در میدان های علم و آموزش گام نهادند و چندی نگذشت که زنانی آگاه و دین شناس پدید آمدند و به مقامات بالایی در آگاهی و دانش رسیدند .

اکنون مناسب است از جریانی که درباره یکی از زنان تربیت شده اسلام نقل

شده است یاد کنیم :

بریره ، از زنان صدر اسلام بود و در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می زیست . روزی

شوهر او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از همسرش یعنی «بریره» شکارت کرد که خانه را رها کرده و رفته است . پیامبر صلی الله علیه و آله این زن را فراخواند و به او گفت : «اِرْجِعی اِلی زوْجِکِ : به خانه شوهرت بازگرد» .

بریره گفت : «اَتَأْمُرُنی یا رَسولَ اللّه ؟ : آیا به من امر می کنی؟ (دستور قانونی و واجب را بیان می کنی) .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «لا بَلْ اَنَا شافِعٌ : نه (امر و بیان قانون نیست) ، بلکه من واسطه و شفیع هستم» .(۱)

۱- کفایه الاصول ، جلد ۱ ، مباحث امر .

از مکالمه پیامبر با این بانو، روشن می شود که این زن به مراحلی از درک

مفـاهیم دینی و معیارهـای شـناخت احکام اسـلامی ، دست یافته بوده است که سـخن پیامبر صـلی الله علیه و آله را با معیارهای دقیـق تحلیـل می کنـد و می پرسـد که شـما به عنوان قانونگـذار و شـارع دسـتورمی دهیـد و امرشـرعی و مولوی است و یـا امر ارشـادی و اصـلاح ذات البین و راهنمـایی است . پیـامبر صـلی الله علیه و آله بر نظر و برداشت او صـحّه گـذاشت و فرمود: «من اصلاحگرم» .

این مکالمه و حدیث استدلال فقها و علمای اصول است در این موضوع که امر بدون قرائن ، دلالتی بر وجوب دارد یا نه ؟

به هر حـال از این نمونه و همانـندهای آن روشن می گردد که زنـان جـاهلی که از فرهنگ و دانش بیگانه بودنـد به چه درک بالایی دست یافتند . از این دست زنان در تاریخ اسلام بسیارند ، در همه دوره ها و تا زمان حاضر و انتظار از

جامعه زنان مسلمان و بینشگرای ایران این است که تاریخ این گونه زنان را بررسی کنند و به نگارش آوردند. ازدوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا دوره امامان علیهم السلام و تا زمان حاضر و به نسل امروز عرضه کنند . البته کتابهایی در گذشته در این زمینه ها نگارش یافته است ، لیکن کتابهای زیبا و خوش نثر و استوار در روزگار ما ، درباره زنان کمتر است که باید این خلاء پُر شود و بویژه زنان صاحب قلم و اندیشمند این مهم را به انجام برسانند .

فعالیتهای اقتصادی

زنان ، در میدان های کار و تلاش و مسائل اقتصادی نیز حق شرکت دارند و در همه این زمینه ها حقوقی همسان با مردان دارند . با توجه به این که پس از

قرن ها در اروپا این حق به زنان داده شد، آن هم به خاطر اهداف ننگین و

سودجویانه سرمایه داری ، «... انقلاب صنعتی موجب شد که زن هم صنعتی بشود ... زنان کارگران ارزانتری بودند و کارفرمایان ، آنان را بر مردانِ سرکش سنگین قیمت ترجیح می دادند ... نخستین قدم برای آزادیِ مادرانِ بزرگ ما ، قانون ۱۸۸۲ م، بود. به موجب این قانون ، زنان بریتانیا، از آن پس از امتیاز بی سابقه برخوردار می شدند و آن این که پولی را که به دست می آوردند ، حق داشتند برای خود نگه دارند . این قانون را کارخانه داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه ها بکشانند ... » .(۱)

قرنها پیش از آن که اروپا به زن حق مالکیت بدهد ، اسلام به زنان این حق را

داده است، آن هم با هدفهای انسانی و نه اغراض سودجویانه سرمایه داری .

۱- ویل دورانت ، لذت فلسفه ، ص ۱۵۸ .

زنـان از نظر اسـلام می تواننـد کـار کننـد، در خـانه یـا بیرون از خـانه و مالک محصول کار خویش باشـند . ارث ببرنـد و ارث بگذرانـد و به هر نوع تلاش سازنـده اقتصادی دست زنند . سـرمایه گذاری کنند و به تأسـیس مزرعه و کارخانه بپردازند . اینها همه مسائلی است که در فقه ما مطرح گردیده و قوانینی است که در متن تعالیم اسلامی قراردارد .(۱)

عظمت حقوقی واجتماعی زن درقرآن

قرآن درباره عظمت حقوقی و اجتماعی زن می فرماید :

« یاآ اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا لا یَحِلُّ لَکُمْ اَنْ تَرِثُوا النِّساءَ کَرْها وَ لا تَعْضُلُوهُنَّ

ص:۷۹

۱- دفاع از حقوق زن ، تألیف محمّد حکیمی .

لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ ما اتَيْتُمُوهُنَّ اِلاّ اَنْ يَأْتينَ بِفاحِشَهٍ مُبَيِّنَهٍ وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَاِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسيآ اَنْ تَكْرَهُوا شَيْئا وَ يَجْعَلَ اللّهُ فيهِ خَيْرا كَثيرا : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! برای شما حلال نیست که از زنان ، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن ها ،) ارث ببرید و آنان را تحت فشار قراردهید که قسمتی از آن چه را به آن ها داده اید (از مَهر) ، تملّک کنید ، مگر این که آن ها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آن ها ، (به جهتی) کراهت داشتید ، (فورا تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار

می دهد» .(۱)

ص:۸۰

۱- ۱۹ / نساء .

قرآن کریم توجه ویژه ای به نقش اجتماعی زنان داشته و می فرماید : با زنها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر خوش آیندتان نیست که آنها در مجامعتان شرکت کنند ، این کار ناخوشایند را بکنید چراکه ممکن است خیر فراوانی در این کار باشد و شما ندانید « وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ » این معاشرت ، اختصاصی به مسائل خانوادگی ندارد. گاهی تعصب جاهلی یارواج فرهنگ ناصواب یا تعصّب خام و مانند آن ، به مرد این چنین تلقین می کند که تو نمی توانی با زن در یک مؤسسه همکاری کنی یا زن در جامعه نمی تواند حضور فعال داشته باشد .

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: این گونه از تعصّبات و رسومات جاهلی را که فرهنگ باطل است بزدایید « وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اِنْ کَرِهْتُمُوهُنَّ » اگر خوشتان نمی آید که آن ها مانند شما سمتی داشته باشند و در

جامعه و صحنه سیاست و صحنه درمان و پزشکی و صحنه فرهنگ و تدریس حضور داشته باشند ، این امر را تحمّل کنید شاید خیر فراوانی در این کار باشد و شما نمی دانید .

چیزی را که عقل به رسمیّت می شناسد و پیش وحی و صاحب شریعت به رسمیّت شناخته شده ، معروف است و چیزی را که عقل و دین به رسمیّت نمی شناسد ، منکر و ناشناخته است ، قرآن می فرماید : با صنف زن طوری

رفتار کنید که عقل و شرع آن را به رسمیّت می شناسد . این قشر عظیم را منزوی نکرده و با آن ها بدرفتاری نکنید .

سپس می فرماید : « و اِن کرهتموهنّ » اگر نمی پسندید که زن ها از حیات اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار باشند بدانید که این کراهتتان نارواست ، در آیه : « فَعَسی أنْ تَكْرَهُوا شَیْئا وَ یَجْعَلَ اللّه ُفیهِ خَیْرا کَثیرا » جمله «وَ

ص:۸۲

یَجْعَلَ اللّه ُفیه خَیْرا کثیرا» از تعبیری که در آیه جهاد آمده مهم تر است ، چون جهاد و دفاع امری موقتی است و لذا می فرماید: « وَ عَسی أَنْ تَکْرَهوا شَیْئا وَ هُوَ خَیْرٌ لکم وَ عَسی أن تُحِبّوا شَیْئا وَ هو شَرٌّ لَکُم » اما حضور زن در صحنه ، هر روز و همیشگی است و همین حیات اجتماعی زن است که می تواند در مسأله جهاد و دفاع سهم مؤثری را ایفا کند .

نقش عاطفه در هدایت جوامع

کسانی که نتوانسته اند با زنان جامعه معاشرت معروف داشته باشند و از عواطف آنان طرفی بسته و از احساسات و رقت قلب آنان مدد بگیرند ، آنان زن را آزاد کرده و خود مسخّر غرایز شده اند بدون این که مسخّر عواطف بشوند . ولی اسلام ، زن را آزاد کرده و جامعه را مسخّر عواطف او کرده، لذا جامعه

عاطفی بنا کرده و رأفت و رحمت در جامعه اسلامی قرارداده است . این که دیده می شود در بعضی جوامع ، هیچ عاطفه ای نیست و گاهی بیش از دویست و نود نفر بین آسمان و زمین به وسیله همین ابرقدرتهای غرب می سوزند و به دریا ریخته می شوند در جریان هدف قراردادن هواپیمای ایرانی توسط ناو

آمریکایی و یا دیده می شود مناطقی نظیر حلبچه و مانند آن را با بدترین وضع با بمب های شیمیایی مسموم می کنند و زن و مرد را یکجا از بین می برند ، با این که ظاهرا طرفدار آزادی زن بوده و مدّعی آن هستند که زن را به صحنه آورده اند ، برای آن است که مسخّر غریزه و طبیعت زن شده اند نه مسخّر عاطفه او، یعنی آن هنر و فضیلت و جمالی که خدا به نام عاطفه ، رحم و رقّت ، به زن داده از آن محرومند و آنچه را که خدا به طبیعت زن داده آن را برخود مسلّط کرده اند .

آنچـه را کـه ذات اقـدس الـه به فطرت و روح زن داده به عنـوان یـک فضـیلت به او عطـا کرده ، ولی دنیـای مـادی ، زن را در معرض نمایش غرایز آورده و بر درندگی جامعه افزوده است . روایتی که می فرماید :

« اَلْمَرْأَهُ عَقْرَب » (۱)

ناظر به چیزی است که جهان غرب به آن مبتلا شده، اما روایتی که امیرالمؤمنین سلام اللّه علیه به فرزندش می فرماید :

« فَاِنّ الْمَرأهَ رَیْحانَه وَ لَیْسَتْ بِقَهْرَمانَه » (۲)

همان است که جامعه اسلامی به آن فضیلت ، متکامل است . زن گرایی مثل

ص:۸۵

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام ، کلمات قصار ۵۸ .

۲- نهج البلاغه فیض الاسلام ، نامه ۳۱ .

آن است که انسان بخواهد از نیش عقرب بهره ای ببرد ، شاید یک لذتی در نیش زدن او باشد ، اما سمّ را هم به همراه دارد ، دین می گوید : زن ریحان و گل است و شما مردها معطر باشید و این قدر با بوهای متعفّن ، شامه تان را بدعادت

نکنید ، زنها به عطر ریحان معطرند و به شما عاطفه می دهند ، لذا در جنگهای اسلامی ، خشونتی که در جنگهای غیراسلامی هست ، وجود ندارد و آن درنده خویی که دیگران دارند در میان مسلمین مشاهده نمی شود با این که مسلمین ، زن ها را به حجاب دعوت می کنند ، اما از عاطفه زن به عنوان یک محور تربیتی استفاده می کنند . اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلّم عاطفه ، رقّت، درمان لطف ، صفا، وفا و مانند آن شود و دنیای کنونی ، حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان لعبه به بازار بیاید و غریزه را تأمین کند. زن وقتی باسرمایه غریزه به جامعه آمد دیگر معلّم عاطفه نیست ،

فرمان شهوت می دهد نه دستور گذشت و شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد ، لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید ولی با حجاب بیاید ، یعنی

بیاید که درس عفت و عاطفه بدهد نه این که درس شهوت و غریزه بیاموزد .

دیدگاه غرب درباره حقوق زن

سرّ این که جهان غرب در خصوص این امر نیز فرهنگ منحطّ غلطی دارد و متأسفانه برخی افراد که از فرهنگ غنی و قوی اسلام بی اطلاعند ، گوش به تبلیغات سوء آنان می دهند این است که انسان شناسی آن ها همانند جهان بینی آنهاست و به عبارت دیگر انسان شناسی آنها فرع بر جهان بینی آنان است ، جهان بینی آن ها در حد :

ص:۸۷

« ما هِیَ اِلّا حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَ نَحْیی وَ ما یُهْلِکَنا اِلاَّ الدَّهْرُ »(۱)

است و چون جهان را در نشئه طبیعت خلاصه می کنند و از ماورای طبیعت سهمی ندارند، انسان را نیز در قلمرو طبیعت خلاصه می کنند و صرفا تن شناسند نه انسان شناس .

دیدگاه آنان در انسان شناسی ، این است که تمام حقیقت انسان را بدن و تن آدمی تشکیل می دهد و چون می بینند بدن انسان به دو شکل است ، یا به صورت زن یابه صورت مرد، لذا گمان می کنند که زن و مرد با هم تفاوت دارند ، همانطوری که بدن هایشان متفاوت است .

کسی که به انسان شناسی از دیدگاه جهان شناسیِ مادی می نگرد ، هرگز در

۱- ۲۴ / جاثیه .

جهان سیر عمودی ندارد و نمی داند که مبدأ و منتهای سیر زندگی انسان

چیست بلکه همواره سیر افقی دارد، همـان گونه که اخترشناسـی ، دریاشناسـی ، گیاه شناسـی، جانورشناسـی ، زمین شناسـی ، معـدن شناسـی و ... این هـا ، مادی است ، انسان شناسیِ اینان نیز مادی است . او برای انسان مقامی برتر از آن چه که در نشئه طبیعت است ، قائل نیست و مسائلی از قبیل فرشته ، ملك و وحی برای او مفهوم ندارد .

نه زنـدگی همه اش عطر است و نه همه زنـدگی آهن و چدن است ، هم کارهای محکم لازم است و هم کارهای ظریف . این که آیـا گـل بهتر است یـا آهن به راحتی قابـل پاسـخ گویی نیست ، زیرا گـل فضائلی دارد و آهن نیز ارزشـهای فراوانی دارد . کارهـای محکم را آهن و امـور ظریـف هنری ، دقیق و عـاطفی را گـل به عهـده دارد و اساسـا وجود و ثمر آهن بـدون گـل و همچنین ، وجود گل نیز

بدون آهن شدنی نیست .

بنـابراین مـادو راه حـل داریم ، یک راه برای معتقـدان به دین و راه دیگر ، به عنوان پاسـخگویی به سؤالات دیگران ، یعنی در مرحله اول ، بایـد این موضوع برای خود مـا حلّ شود که سؤالاتیماننـد این که ، چرا زن نمی توانـد متصـدی بسـیاری از امور اجرایی شود ؟ قابل طرح نیست . توضیح این مطلب مستلزم دو نکته است و آن این که :

اولاً : بسیاری از کارهای اجرایی شرعا برای زن جایز و رواست .

ثانیا: امور اجرایی مقام نیست ، اگر مقام بود و واجب بود که انسان این کار اجرایی را بپـذیرد به عنوان یک کمال و نه به برای حفظ نظام علمای بزرگوار ما از آن گریزی نداشتند .

ص:۹۰

سؤال نماینده زنان جهان از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حقوق زنان

این سؤال و جواب را، حضرت استاد علامه طباطبایی رضوان اللّه تعالی علیه در تفسیر ارزشمند المیزان به نقل از کتاب «اَلدرُّ الْمَنْثور فِی التَّفسیر بِالْمَأْثور» درخلال «بحث روائیِ» بخشی ازآیات سوره نساءذکرفرموده است .(۱)

درالمنثور از بیهقی نقل می کند که : روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع یاران و اصحابش نشسته بود ، اسماء بنت یزید انصاریه ، یکی از زنان انصار ، به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید ، عرض کرد : من نماینده تمام زنان هستم به سوی شما ، این سؤال ، تنها سؤال زنان انصار و زنان مدینه نیست ، بلکه سؤال همه

زنهاست و هیچ زنی در مشرق یا در مغرب نیست مگر این که وقتی هستم ، زیرا

۱- تفسیر المیزان ، جلد ۴ ، صفحه ۳۷ ، چاپ اول .

شما پیامبر همه جوامع بشری اعم از زن و مرد هستید و این سؤال عموم زنان از شماست. او در کمال ادب این سؤالها را طرح کرد . در آغاز سخنش جمله «بِأَبی أَنْتَ وَ أُمّی» گفت ، بعد هم گفت : «نَفْسی لَکَ الْفِداء» یعنی من و پدرم و مادرم فدای تو .

پس از ایراد خطبه به عنوان نماینده زنان جهان عرض کرد :

« اِنَّ اللّه -عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَکَ اِلَی الرِّجالِ وَ النِّساءِ »

یعنی خدای سبحان تو را به عنوان پیامبر بشر مبعوث کرد چه برای رجال ، چه برای نساء « فَآمَنّا بِکَ و بِالِهَکَ » ما به مبدأ و معاد و وحی و رسالت ایمان آوردیم ، به خدایی که تو را فرستاد ایمان آوردیم . سخن این زن در

حقیقت بیانگر اصول سه گانه دین بود در قرآن کریم گاهی سه اصل مبدأ و معاد و وحی در کنار هم ذکر می شود و گاهی دو اصل مبدأ و وحی ، سرّش این

است که بازگشت معاد به همان مبدأ است و اگر کسی به خدا ایمان آورد به معاد هم ایمان آورده است .

« وَ اِنّا مَعْشَرَ النِّساءِ مَحْصوراتٌ مقصوراتٌ قَواعِد بُيُوتِكُمْ وَ مَقْضی شَهَواتُكُمْ وَ حامِلاتُ أَوْلادِكُم »

ما زن ها خانه نشین و محصور و حامل فرزندان شما مردان هستیم . تفکری که در آن روز رایج بود تفکر جاهلی بود . این زن در عین حال که نماینـده زنان جهان است نماینده زنان مسلمان نیز هست ، ولی در متن سؤالش تفکر جاهلی را مطرح می کند او می گوید ، زن حامل فرزند شوهر است ، غافل از این که زن

حامل فرزندی است که به پدر و مادر به صورت مشترک منسوب است .

« وَ اِنَّكُمْ مَعاشِرُ الرِّجالِ فَضَّلْتُمْ عَلَيْنا بِالْجَمْعِ وَ الْجَماعاتِ وَ عِيادةُ الْمَرْضى وَ شُهُودُ الْجَنائِزِ وَ الْحَجِّ بَعْدَ الْحَجِّ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذلِكَ الْجِهادُ فى

سَبیل اللّه ِ »

و شـما مردها بر ما فضـیلت دارید برای این که در نماز جمعه و جماعت ، در عیادت بیمار ، در تشـییع جنازه شرکت می کنید ، شما مکرّر می توانیـد به حـج برویـد و بالاتر از همه جهاد فی سبیل اللّه وظیفه شـماست و ما محرومیم . « وَ اِنّ أَحَدَکُمْ اِذا خَرَجَ حاجّا أوْ مُعْتَمِرا أو مُجاهدا حَفَظْنا لَکُمْ أَموالَکُمْ وَ غَزَلْنا أثْوابَکمْ وَ رَبَّیْنا لَکُم أَوْلادَکم »

شمااگر به عنوان حج یا جهاد حرکت کردید ما باید در خانه ها بنشینیم و

اموالتان را حفظ کنیم ، لباسهایتان را ببافیم ، فرزندان شما را تربیت کنیم .

« فَما نُشارِکُکُمْ فی هذَاالْاَجْرِ وَ الْخَیْرِ »

ما زن ها با شما مردها در هیچ یک از فضیلت ها شریک نیستیم .

پاسخ پیامبر در تبیین وظایف و حقوق زن

فَالْتَفَتِ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله اِلی أَصْحابِهِ بِوَجْهِه کُلِّهِ »

حضرت رسول صلی الله علیه و آله با تمام صورت رو به اصحاب کرد و فرمود :

« هَلْ سَمِعْتُمْ مَسْألَهَ امْرَأَهٍ قَطُّ أَحْسَن مِنْ مَسْأَلَتِها فی أمرِدینِها مِنْ هذِه »

یعنی شما تاکنون زنی به این فضیلت دیده اید که در مسائل دینی اینچنین سؤال کند؟ معلوم می شود شنیدن صدای زن در این گونه از مسائل دینی برای

معصوم هم رواست و زن می تواند در مجامع عمومی درباره مسائل دین سخن بگوید و مردها هم می توانند سخن زن را درباره مسائل دینی بشنوند و یا گوش دهند . این قصه در مدینه و در زمانی واقع شده که بسیاری ازمسائل حجاب وفضائل دینی و دستورات عفاف نازل شده است ، اگر یک چنین سؤال و جواب و سخنرانی در اوائل اسلام و در مکه رخ می داد، ممکن بود کسی بگوید

آن روز هنوز دستور حجاب نبوده و ... اما این جریان درمدینه و در جمع انصار اتفاق می افتد و سؤال و جواب در مقام و موقعیت زن در جهاد بوده است .

« فَقالُوا یا رَسولَ اللّه ِ مَا ظَنَنّا اَنَّ الْمَرْأَهَ تَهْتَدی اِلی مِثْل هذا »

اصحاب گفتند : ما فکر نمی کردیم زن به این مقام برسد . چرا که زمینه ای نبود تا زن را بپرورانند . نباید توقع داشت ، تفکّر جاهلی توان تربیت این گونه از

زن ها را داشته باشد . آن گاه :

« فَالْتَفَتِ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله اِلَیْها »

پیامبر رو به این زن کرد :

« فَقالَ اِفْهَمی أَیّتُها الْمَرأهُ وَ اعْلَمی مِنْ خَلْفَکِ مِنَ النِّساءِ اَنَّ حُسْنُ تَبَعُّلِ الْمَرْأه لِزَوْجِها وَ طَلَبِها مَرْضاتِهِ وَ اتِّباعِها مُوافَقَتَهُ یَعْدِلُ ذلِکَ کُلُّه فَانْصَرَفَتْ وَ هِیَ تُهَلِّلُ حَتّی وَصَلَتْ اِلی نِساءِ قَوْمِها »

ص:۹۶

ای زن بر گرد به همه زنهایی که تو نماینـده آنهایی ، چه در مشـرق و چه در مغرب ، اعلام بکن که مسؤولیت تربیت خانواده و تشکیل خـانه ، شـوهرداری ، حسن تبعـل که چشم شـوهر در بیرون به گنـاه گشوده نشود و گوشـش در بیرون منزل به گنـاه و آهنگ باطل بازنشود و دستش به خیانت بازنشود ، نیک

شوهرداری کردن و خـانواده را حفـظ کردن و ارکان خانه را به دوش کشـیدن ، حفظ اولاد و اموال و تأمین آبرو ، معادل همه آن فضائـل است که برشـمردی . مگر نه آن است که شـما خواهـان ثواب و تقرب الهی هستیـد، مگر نه آن است که فروع دین تعبّـدی است و ذات اقـدس اله مصالـح ما را بهتر از ما می شـناسد، آن خـدایی که به شـما شـش سال زودتر از دیگران دسـتور عبادی داد و زودتر از دیگران سـخن گفت و شـش سال زودتر از دیگران به حضور پـذیرفت ، این چنین دسـتور داده است که خانواده در اسلام اصل است . آن ها که خانه را منحل کرده

ص:۹۷

و در حدّ یک خوابگاه به او می نگرند ، آن ها جان و روح زن را از خانه بیرون آوردند و به مراکز فساد کشاندند .

نمونه بارز انحطاط را در کشورهای پیشرفته دیده و می بینید . مرحوم علامه

طباطبایی در ذیل همین حدیث شریف بحث مبسوطی دارند و می فرمایند : آن ها زن را تحت عنوان آزادی بازیچه قراردادند . اما دین می گوید زن گل است و نظیر ابزار بازی نیست، اورا ضایع نکنید، کارهای سنگین به این ها ارائه نکنید ، نگذارید با نامحرم تماس بگیرند ، نامحرم با او تماس بگیرد چرا که این گل پژمرده می شود ، این فقط باید در بوستان منزل باشد ، آن گاه است که می تواند پیغمبر تربیت کند .

اگر زنان ، کانون خانه را متلاشی نکنند و گرم نگه دارند و گونه ای عمل کنند که مرد ، تمام تلاشش متوجه خانه باشد ، با حسن برخورد ، با اداره صحیح

شؤون منزل ، با قناعت و کم توقعی ، با تربیت دقیق فرزندان ، با رفتار مؤدبانه داشتن و حفظ عفاف و لباس حتی در برابر اولاد و در نتیجه تربیت فرزندانی

وزین و عفیف ، آنگاه می تواننـد نقص آن فضائل را جبران کننـد ، چه آن که این ها معادل همه فضائلی است که برای مردها وارد شده است . (۱)

آزادی و حجاب

یکی از ایرادهایی که بر حجاب گرفته انـد این است که موجب سـلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشـری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می رود .

می گویند احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر

۱ زن در آینه جلال و جمال ، تألیف حکیم متأله آیه اللّه عبداللّه جوادی آملی .

است . هر انسانی شریف و آزاد است ، مرد باشد یا زن ، سفید باشد یا سیاه ، تابع هر کشور یا مذهبی باشد . مجبور ساختن زن به این که حجاب داشته باشد بی اعتنایی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی اوست و به عبارت دیگر ظلم فاحش است به زن . عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن و همچنین حکم مطابق عقل و شرع به این که هیچ کس بدون موجب نباید اسیر و زندانی گردد و ظلم به هیچ کس و به هیچ صورت و به هیچ بهانه نباید واقع شود ، ایجاب می کند که این امر از میان برود .

پاسخ : یک بار دیگر لازم است تذکر دهیم که فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به این که وقتی می خواهد با مرد بیگانه

مواجه شود پوشیده باشد . در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود

نـدارد . حجاب در اسـلام یک وظیفه ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشـرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصـی را در لبـاس پوشـیدن مراعـات کنـد. این وظیفه نه از نـاحیه مرد براو تحمیل شـده است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود .

اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی ، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشـرت روش خاصـی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزننـد و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد

ص:۱۰۱

نمی توان دانست .

در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیت هایی برای مرد وجود دارد . اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود و یا حتی با پیژامه بیرون آیـد ، پلیس ممانعت کرده به عنوان این که این عمل برخلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می کند . هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی ، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشـرت اسلوب خاصی را رعایت کننـد مثلاً با لباس کامل بیرون بیاینـد ، چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زنـدان و نه ضـدّ آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد حکم عقل به شمار می رود .

برعکس ، پوشیده بودن زن در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است

ص:۱۰۲

موجب کراهت و احترام بیشتر اوست ، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می دارد .

شرافت زن اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین و سنگین و با وقار باشد ، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد ، عملاً مرد را به سوی خوددعوت نکند ، زباندار لباس نپوشد ، زباندار راه نرود، زباندار و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد ، چه آن که گاهی اوقات ژست ها سخت می گویند ، راه رفتن انسان سخن می گوید ، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می زند .

اگر یک روحانی برای خودش قیافه و هیکلی برخلاف آنچه عادت و معمول است بسازد، عمامه را بزرگ و ریش را دراز کند ، عصا و ردایی با هیمنه

ص:۱۰۳

و شکوه خاص به دست و دوش بگیرد، این ژست و قیافه خودش حرف می زند ،

می گوید برای من احترام قائل شوید، راه برایم بازکنید ، مؤدب بایستید ، دست مرا ببوسید .

همچنین است حالت یک افسر با نشانه های عالی افسری که گردن می افرازد ، قدم ها را محکم به زمین می کوبد ، باد به غبغب می اندازد ، صدای خود را موقع حرف زدن کلفت می کند. او هم زباندار عمل می کند، به زبان بی زبانی می گوید : از من بترسید ، رعب من را در دل های خود جا دهید .

همین طور ممکن است زن یک طرز لباس بپوشد یا راه برود که اطوار و افعالش حرف بزند ، فریاد بزند که به دنبال من بیا ، سربسر من بگذار ، متلک بگو ، در مقابل من زانو بزن ، عشق و پرستش کن .

ص:۱۰۴

آیا حیثیت زن ایجاب می کند که اینچنین باشد ؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و

برود، حواس پرت کن نباشد و نگاه های شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند ، برخلاف حیثیت زن یا برخلاف حیثیت مرد یا برخلاف مصالح اجتماع یا برخلاف اصل آزادی فرد است ؟

آری اگر کسی بگوید زن را باید درخانه حبس و در را به رویش قفل کرد و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد ، البته این با آزادی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد . چنین چیزی در حجاب های غیراسلام بوده است ولی در اسلام نبوده و نیست .

شما اگر از فقها بپرسید آیا صرفِ بیرون رفتن زن از خانه حرام است ، جواب می دهند نه . اگر بپرسید آیا خرید کردن زن ولو این که فروشنده مرد

باشد حرام است ، یعنی نفس عمل بیع و شِراء زن اگر طرف مرد باشد حرام

است ، پاسخ می دهند حرام نیست . آیا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات ممنوع است ؟ باز هم جواب منفی است چنان که در مساجد و مجالس مذهبی و پای منبرها شرکت می کنند و کسی نگفته است که صرف شرکت کردن زن در جاهایی که مرد هم وجود دارد حرام است. آیا تحصیل زن ، فن و هنر آموختن زن و بالاخره تکمیل استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده است حرام است ؟ باز جواب منفی است . فقط دو مسأله وجود دارد ، یکی این که باید پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خودنمایی و تحریک آمیز نباشد .

و دیگر این که مصلحت خانوادگی ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه

توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد . البته مرد هم باید در

(۱۱۲) (۱)

حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر . گاهی ممکن است رفتن زن به خانه اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد . فرض کنیم زن می خواهد به خانه خواهر خود برود و فی المثل خواهرش فرد مفسد و فتنه انگیزی است که زن را علیه مصالح خانوادگی تحریک می کند .

تجربه هم نشان می دهد که این گونه قضایاکم نظیر نیست . گاهی هست که رفتن زن حتی به خانه مادرش نیز برخلاف مصلحت خانوادگی است ، همین که نفس مادر به او برسد تا یک هفته در خانه ناراحتی می کند ، بهانه می گیرد ، زندگی را تلخ و غیرقابل تحمل می سازد .

در چنین مواردی شوهر حق داردکه از این معاشرت های زیانبخش که

زیانش نه تنها متوجه مرد است ، متوجه خود زن و فرزندان ایشان نیز می باشد

(۱۱۳) (۱)

جلوگیری کند . ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست دخالت مرد مورد ندارد .

آیا حجاب مانع آزادی و فعالیت اجتماعی زن است ؟

اساسا هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است . وقتی در آفرینش به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شد، این به منزله سند و مدرک است که وی حقّ دارد استعداد خود را به فعلیّت برساند ، منع کردن آن ظلم است .

چرا می گوییم همه افراد بشر اعم از زن و مرد حق دارند درس بخوانند و این حق را برای حیوانات قائل نیستیم ؟ برای این که استعداد درس خواندن در بشر

وجود دارد و در حیوانات وجود ندارد . در حیوان استعداد تغذیه و تولید مثل

وجود دارد و محروم ساختن او از این کارها برخلاف عدالت است .

بازداشتن زن از کوشش هایی که آفرینش به او امکان داده است نه تنها ستم به زن است ، خیانت به اجتماع نیز می باشد . هر چیزی که سبب شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی اثر بماند به زیان اجتماع است. عامل انسانی بزرگترین سرمایه اجتماع است . زن نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره مند گردد . فلج کردن این عامل و تضییع نیروی نیمی از افراد اجتماع ، هم برخلاف حق طبیعی فردی زن است و هم برخلاف حق اجتماع و سبب می شود که زن همیشه به صورت سربار و کَلّ بر مرد زندگی کند .

ص:۱۰۹

جواب این اشکال آن است که حجاب اسلامی که موجب هدر رفتن نیروی

زن و ضایع ساختن استعدادهای فطری او نیست . ایراد مذکور بر آن شکلی از حجاب که در میان هندی ها یا ایرانیان قدیم یا یهودیان متداول بوده است وارد است . ولی حجاب اسلام نمی گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعدادهای او را گرفت . مبنای حجاب در اسلام چنان که گفتیم این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع ، خالص برای کار و فعالیت باشد . به همین جهت به زن اجازه نمی دهد که وقتی از خانه بیرون می رود موجبات تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی دهد که چشم چرانی کند . چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند ، موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می باشد .

ص:۱۱۰

اگر مرد تمتعات جنسی را منحصر به همسر قانونی خود کند و تصمیم

بگیرد همین که از کنار همسر خود بیرون آمد و پا به درون اجتماع گذاشت ، دیگر درباره این مسائل نیندیشد ، قطعا در این صورت بهتر می تواند فعال باشد تا این که همه فکرش متوجه این زن و آن دختر و این قد و بالا ـ و این طنّازی و آن عشوه گری باشد و دائما نقشه طرح کند که چگونه با فلان خانم آشنا شود .

آیا اگر زن ، ساده و سنگین به دنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آن که برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آئینه و میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت تمام سعیش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع

باشند به موجوداتی هوسباز و چشم چران و بی اراده تبدیل کند؟

عجبا ! به بهانه این که حجاب ، نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است ، با بی حجابی و بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند . کار زن پرداختن به خودآرایی و صرف وقت در پای میز توالت برای بیرون رفتن و کار مرد چشم چرانی و شکارچی گری شده است .

آزادی زن در مکاتب غربی

اصول سه گانه ای که دیدگاه غرب را نسبت به آزادی زن ترسیم می کند عبارت است از :

۱ . آزادی هر فردی مطلقا محترم است و باید محفوظ بماند ، مگر آن جا که

مزاحم آزادی دیگران باشد ، به عبارت دیگر آزادی را جز آزادی نمی تواند

محدود کند .

۲ . سعادت بشر در گرو پرورش استعدادهایی است که در نهاد دارد . خودپرستی ها و ناراحتی های روحی ، ناشی از آشفتگی غرایز و بالاخص غریزه جنسی است و آشفتگی غرایز از عدم ارضاء و اشباع آن ها ناشی می گردد .

۳ . آتش میل و رغبت بشر در اثر منع و محدودیت فزونی می گیرد و مشتعل تر می گردد و در اثر ارضاء و اشباع کاهش می یابد و آرام می گیرد . برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری از عوارض ناشی از آن ، راه صحیح این است که هرگونه قید و ممنوعیتی را در این راه از جلو پایش

ص:۱۱۳

برداریم .

چنان که ملاحظه می شود اصل اول از اصول بالا ـ فلسفی و اصل دوم تربیتی و اصل سوم روانی است . این سه اصل را ما از مجموع گفته ها و نظرات طرفداران این سیستم اخلاقی استنباط می کنیم و الّا هیچ کدام از آنان به این ترتیب و تفصیل اصول سیستم اخلاقی خود را بیان نکرده اند .

طرفداران این سیستم اخلاقی از آن جهت به این اصل که تکیه گاه و اساس اصلی حقوق فردی به شمار رفته تکیه کرده اند که به گمان آن هااین سلسله مسائل فاقد جنبه اجتماعی می باشد ، زیرا به عقیده آن ها آزادی جنسی یک فرد به حقوق دیگران ضربه نمی زند ، فقط آن جا که پای فرزند و اطمینان پدری و فرزندی به میان می آید حق شوهر پیدا می شود و لازم می گردد که زن از

ص:۱۱۴

باردار شدن از غیر شوهر قانونی خود خودداری کند و تا زمانی که وسایل

ضدآبستنی در کار نبود لازم بود برای صیانت این حق مرد ، زن عفاف و تقوا را رعایت کند تانسبت به شوهر خود وفادار بماند ، فعلاً با وسایل موجود چنین ضرورتی در کار نیست .

علیهذا دراینجا درباره دوقسمت باید تحقیق شود: یکی این که آزادی را جز آزادی دیگران و لزوم رعایت آن ها نمی تواند محدود کند ، دیگر این که روابط جنسی از ناحیه اطمینان پدر و فرزندی با اجتماع و زندگی عمومی و حقوقی اجتماعی ارتباط ندارد .

باید ببینیم آن چیزی که آزادی را به اصطلاح حق مسلّم بشر قرار می دهد چیست ؟ برخلاف تصور بسیاری از فلاسفه غرب آن چیزی که مبنا و اساس

حق آزادی و لزوم رعایت و احترام آن می گردد میل و هوا و اراده فرد نیست ،

بلکه استعدادی است که آفرینش برای سیر مدارج ترقی و تکامل به وی داده است . اراده بشر تا آن جا محترم است که با استعدادهای عالی و مقدسی که در نهاد بشر است هماهنگ باشد و او را در مسیر ترقی و تعالی بکشاند ، اما آن جا که بشر را به سوی فنا و نیستی سوق می دهد و استعدادهای نهانی را به هدر می دهد احترامی نمی تواند داشته باشد. ما درآینده ان شاءاللّه مستقلاً و به طور تفصیل تحت عنوان «انسان و آزادی» مسأله آزادی را طرح خواهیم کرد ، اینجا همین قدر یادآوری می کنیم که بسیار اشتباه است اگر خیال کنیم معنی این که «انسان آزاد آفریده شده» این است که به او میل و خواست و اراده داده شده است و این میل باید محترم شناخته شود مگر آن جا که با میل ها و خواست های

دیگران مواجه و معارض شود و آزادی میل های دیگران را به خطر اندازد . ما

(۱۲۲) (۱)

ثابت می کنیم که علاوه بر آزادی ها و حقوق دیگران مصالح عالیه خود فرد نیز می تواند آزادی او را محدود کند.

بزرگترین تیشه ای که به ریشه اخلاق زده شده، به نام آزادی و از راه همین تفسیر غلطی است که از آزادی شده است.

وقتی که از آقای راسل سؤال می شود: «آیا خودرا به هیچ یک از سیستم های اخلاقی مقید می دانید؟» جواب می دهد :

«آری، ولی جداساختن از سیاست کار بسیار دشواری است . به عقیده من علم اخلاق بایستی بدین طریق عرضه شود : فرض کنید زیدی بخواهد فلان عمل را که برای خودش

مفید بوده و در عین حال به همسایگانش زیان می رساند

(۱۲۳) «)

انجام بدهد . اگر زید بدین طریق برای همسایگان خود ایجادمزاحمت کند آنان گرد هم جمع شده و خواهند گفت : «ما به هیچ وجه موافق نیستیم ، باید کاری کرد که او سوءاستفاده نکند.» بنابراین ملاحظه می شود که کار ما به یک امر جنایی مختوم می گردد و این قضیه کاملاً منطقی و عقلانی است . روش اخلاقی من عبارت از ایجاد هماهنگی بین منافع عمومی و خصوصی افراد اجتماع می باشد» .(۱)

ص:۱۱۸

این روش اخلاقی ازلحاظ عملی بودن کمتر از مدینه فاضله افلاطون نیست .

۱ جهانی که من می شناسم ، صفحه ۶۴ و ۶۵ .

(۱۲۴) ((

آقای راسل در اخلاق مقدساتی را به رسمیت نمی شناسد ، معانی و مفاهیمی که انسان آن ها را برتر از منافع مادی شخص خود بداند و به خاطر آن ها میل و خواست و اراده خود را محدود کند سراغ ندارد ، اخلاقی را که مبتنی بر چنین معانی و مفاهیم باشد اخلاق «تابو» می خواند ، یگانه چیزی را که مقدس می شمارد آزادی خواست و اراده و میل است ، آزادی اراده و میل را فقط با مواجه شدن با میل و اراده دیگران در جهت مقابل قابل تحدید می داند ، آنگاه گرفتار این بن بست می شود که در این صورت چه قدرتی می تواند آزادی شخص را محدود کند و او را در مقابل آزادی های دیگران وادار به تسلیم و احترام نماید ؟ می گوید : قدرت منع و جلوگیری دیگران ، می گوید : من که

به خاطر منافع خودم می خواهم منافع دیگران را به خطر اندازم ، آن ها به خاطر

(۱۲۵) (()

منافع خودشان با یکدیگر اتفاق خواهند کرد و جلوی مرا خواهند گرفت و من ناچار تسلیم خواهم شد و اجبارا منافع خصوصی خود را با منافع عمومی هماهنگ خواهم کرد .

آقای راسل می خواهد با این بیان ، منافع خصوصی را حافظ و نگهدار حقوق عمومی معرفی کند . همین جاست که عقیم بودن فلسفه اخلاقی او روشن می گردد .

بدیهی است اگر فرض کنیم همیشه افراد اجتماع یا گروه های اجتماعی، دارای قدرت و همیشه افراد و گروه ها آماده اتفاق و اتحاد علیه متجاوز می باشند و همیشه یک فرد که دارای قدرت کمتری است تصمیم می گیرد علیه

منافع اکثریت گام بردارد، البته در این صورت فرضیه آقای راسل درست از آب

(۱۲۶) ((

درخواهـد آمد . اما آیا همیشه افراد و گروه ها دارای قدرت مساوی هسـتند ؟ آیا همیشه کسانی که مورد تجاوز قرارمی گیرند آمـاده اتفـاق و اتحادنـد ؟ آیـا همیشه فرد علیه منافع اکثریت تصـمیم می گیرد؟ متجاوز تا به زور و قـدرت خود اعتماد نداشـته باشد دست به تجاوز نمی زند .

اخلاقی که آقای راسل پیشـنهاد می کند قادر است تنها به ضـعیفان توصـیه کند که از زور نیرومندان بترسند و به حقوق آن ها تجاوز نکننـد ، اما قادر نیست زورمنـدانی را که علیه ناتوانان اتفاق می کننـد و اطمینان دارنـد که می توانند اعتراض آنان را با قوه قهریه پاسـخ دهند به ترک تجاوز توصـیه کند ، چون طبق این فلسـفه عمل آن ها ضداخلاقی نیست ، زیرا آن ها ضـرورتی نمی بینند که

ص:۱۲۱

منافع خصوصی خود را با منافع عمومی هماهنگ کنند . این فلسفه اخلاقی

(۱) (۱۲۷)

بهترین توجیه کننده حق زورگویی و دیکتاتوری است . عجب این است که آقای راسل شعار خود را در همه عمر آزادیخواهی و حمایت از حقوق ناتوانان قرارداده است . اما فلسفه ای که برای اخلاق ساخته است پایه های دیکتاتوری را استحکام می بخشد . در فلاسفه غرب از این نمونه ها باز هم هست که فیلسوفی فلسفه اش یک جور حکم می کند و شعار زندگی اش طور دیگر .

اما قسمت دوم : این قسمت مربوط به این است که ازدواج و تشکیل اجتماع خانوادگی تا چه حد جنبه فردی و خصوصی دارد و تا چه حد جنبه عمومی و اجتماعی . بدون شک در ازدواج تمتع شخصی و مسرت فردی وجود دارد، انگیزه افراد در انتخاب همسر بهره مند شدن از مسرت و لذت بیشتر زندگی

است . اکنون باید ببینیم آیا از آن نظر که دو فرد به نام زن و شوهر می خواهند

(۱۲۸) (())

زنـدگی مشترک و مقرون به خوشـی و مسـرتی تشـکیل دهند و از شـیرینی های زندگی بهره مند گردند، بهتر و عاقلانه تر این است که کـانون خانوادگی را کانون خوشـی ها و کامیابی های جنسـی قراردهنـد و حـداکثر مساعی خود را برای لـذت بخش نمودن این کانون صـرف کننـد و اما اجتماع بیرون (اجتماع بزرگ) محیط کار و فعالیت و برخوردهای دیگر باشد ، یا بهتر این است که لذایذ و کامیابی های جنسـی از محیط خانوادگی به اجتماع بزرگ کشـیده شود ، کوچه و خیابان و مغازه ها و محیط های اداری و باشگاه ها و تفریح گاه های عمومی همه جا آماده انواع کامیابی های جنسی نظری و لمسی و غیره بوده باشد ؟

اسلام طریق اول را توصیه کرده است . اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط

خانوادگی آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد. زن یا

(۱۲۹) (۱)

مردی که از این نظر کوتاهی کند ، مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است . اسلام اصرار فراوانی به خرج داده که محیط اجتماع بزرگ محیط کار و عمل و فعالیت بوده و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود . فلسفه تحریم نظر بازی و تمتعات جنسی از غیر همسر قانونی و هم فلسفه حرمت خودآرایی و تبرّج زن برای بیگانه همین است .

کشورهای غربی که ما اکنون کورکورانه از آن ها پیروی می کنیم راه دوم را انتخاب کرده اند . کشورهای غربی در انتقال دادن کامیابی های جنسی از کانون خانوادگی به محیط اجتماعی بیداد کرده اند و جریمه اش را هم می دهند ، فریاد متفکرینشان بلند است . آن ها وقتی که می بینند برخی کشورهای کمونیستی

جلو این کارها را گرفته و مانع هدردادن نیروهای جوانان در اجتماع

(۱۳۰) (۱)

شده اند ، به چشم غبطه به آن ها می نگرند .

اگر زندگی و خوشی مسرت در زندگی را مساوی با اِعمال شهوت بدانیم و چنین فرض کنیم که هرکس بیشتر می خورد و می خوابد و عمل آمیزش انجام می دهد، او از مسرت و خوشی بیشتری بهره مند است و به عبارت دیگر اگر استعدادهای بهجت زای انسانی و موجبات ناراحتی های او را محدود بدانیم به آنچه حیوانات دارند، البته انتقال کامیابی های جنسی از کانون خانوادگی به اجتماع بزرگ لذت و مسرت بیشتری خواهد داشت .

اما اگر بتوانیم تصور کنیم که اتحاد روح زن و شوهر و عواطف صمیمانه ای که احیانا تا آخرین روزهای پیری که غریزه جنسی فعالیتی ندارد

ص:۱۲۵

باقی است برای زندگی ارزش بیشتر و بالاتری دارد ، اگر بتوانیم تصور کنیم

(۱۳۱) ((

که لذتی که یک مرد از مصاحبت همسر مشروع و وفادارش [می برد] با لذتی که از مصاحبت یک زن هرجایی می برد تفاوت دارد ، کوچکترین تردیدی در این جهت نخواهیم کرد که به خاطر بهره مند شدن از مسرت بیشتر و آرامش بیشتر لازم است عواطف جنسی افراد را محدود به همسر قانونی کرد و محیط و کانون خانوادگی را به این کار و اجتماع بزرگ را به کار و فعالیت اختصاص دهیم .

مطلب مهمتر جنبه های اجتماعی مسأله ازدواج است .

[ازدواج] تنها برای این نیست که زن و مرد از مصاحبت یکدیگر لذت بیشتری ببرند . ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است . سعادت نسل های آینده بستگی کامل دارد به وضع اجتماع خانوادگی .

)) (۱۳۲)

ص:۱۲۶

دست توانـای خلقت برای ایجـاد و بقـا و تربیت نسل های آینـده علایق نیرومنـد زن و شوهری را از یک طرف و علایق پـدر و فرزندی را از طرف دیگر به وجود آورده است . عواطف اجتماعی و انسانی در محیط خانوادگی رشد می کنند . روح کودک را حرارت محیط فطری و طبیعیِ چندصد درجه پدر و مادر ، نرم و ملایم می کند .

ما وقتی که می خواهیم عواطف دو نفر را نسبت به یکـدیگر تحریک کنیم می گوییم افراد یک ملت برادر یکدیگرند ، یا می گوییم افراد بشر همه برادر یکدیگر و عضو یک خانواده هستند .

قرآن کریم عواطف پاک ایمانی مؤمنین را به عواطف برادری تشبیه می کند :

« اِنَّما الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَهٌ » (۱).

(۱۳۳) ((

عواطف برادری تنها از خویشاوندی و همخونی پیدا نمی شود ، عمده این است که دو برادر در یک کانون محبت بزرگ می شوند .

راستی اگر عواطف برادری که ناشی از کانون باصفا و پرمهر خانوادگی است از میان برود آیا افراد اجتماع می توانند کوچکترین عواطفی نسبت به یکدیگر داشته باشند ؟

می گویند در اروپا تا حدود زیادی عدالت هست اما عواطف بسیار کم است ، حتی در میان برادران و پدران و فرزندان عواطف کمی مشاهده

می شود ، برخلاف مردم مشرق زمین، چرا ؟ برای این که این گونه عواطف در کانون های باصفا و صمیمی و پرمهر خانوادگی رشد می کند ، اما در اروپا چنین

۱ ۱۰ / حجرات .

(۱۳۴)

صفا و صمیمیت و وحدت و یگانگی میان زنان و شوهران وجود دارد در آن جا وجود ندارد ؟ برای این که در آن جا عواطف جنسی زن و مرد به یکدیگر اختصاص ندارد ، هرکدام به طور نامحدود می توانند لااقل از تمتعات نظری و لمسی در اجتماع بزرگ بهره مند شوند . (۱)

۱ نظام حقوق زن در اسلام ، تألیف استاد شهید مطهری .

(۱۳۵)

فهرست مطالب

ص:۱۳۰

فهرست مطالب

عنوان صفحه

ص:۱۳۱

فهرست مطالب

عنوان صفحه

ص:۱۳۲

فهرست مطالب

عنوان صفحه

ص:۱۳۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹